



مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی:
بدون اصلاح الگوی کشت و مقابله با برداشت‌های غیرمجاز آب، احیای دریاچه ارومیه ممکن نیست
در صفحه یک

چهارشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۴۶ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۱ گزارش

ایران تنها شریک راهبردی چین در خاورمیانه

طرح نو؛ سردبیر
در جهان آشوب‌زده‌ی پس از هفتم اکتبر، خاورمیانه یکبار دیگر به کانون جدال قدرت‌های بزرگ بدل شده است. حمایت همه‌جانبه‌ی ایالات متحده از رژیم صهیونیستی، که چهره‌هایی چون تاکر کارلسن آن را قربانی شدن آمریکا برای اسرائیل می‌خوانند، نه فقط نشانه‌ی یک جانبداری سیاسی بلکه آینده‌ای از یک جنگ سرد نوین میان واشنگتن و پکن است. جنگی که میدان اصلی آن دیگر اروپا نیست، بلکه خاورمیانه است؛ همان‌جایی که امروز سرنوشت مسیرهای انرژی، تجارت و حتی تکنولوژی جهان در آن رقم می‌خورد.

آمریکا و بحران مشروعیت در سایه رژیم اسرائیل

حمایت بی‌وقفه‌ی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان از تل‌آویو، صرف‌نظر از تبعات انسانی و ژئوپلیتیکی آن، مهم‌ترین نشانه‌ی بحران مشروعیت در سیاست داخلی آمریکا است. دموکرات‌ها این سیاست را پاسخی به شکست‌های بی‌دری در افکار عمومی می‌دانند؛ جایی‌که نسل جدید آمریکایی‌ها دیگر سیاست‌های مداخله‌گرانه‌ی واشنگتن را نمی‌پذیرند. در مقابل، جمهوری‌خواهان پس از بازگشت دونالد ترامپ رویکردی حتی تندتر در پیش گرفتند، تا جایی که همگرایی دو حزب در حمایت از اسرائیل به یکی از نادرترین نقاط توافق ملی در ایالات متحده تبدیل شد. این حمایت فراگیر، خود را در حوادث داخلی نیز نشان می‌دهد: پیروزی چهره‌هایی چون زهران ممدانی در نیویورک، از واکنش اجتماعی ...

طرح نو

روزنامه‌کشیرالانتشار

۲ سرمقاله

پیروزی در جنگ ۱۲ روزه مروهون فرماندهی شجاعانه‌ی رهبری و اتحاد و همدلی مردم بود

طرح نو؛ سردبیر
جنگ دوازده‌روزه، برهه‌ای حساس و تعیین‌کننده در تاریخ معاصر ایران بود که نه تنها توانایی‌های نظامی این کشور، بلکه عمق انسجام اجتماعی و پایداری نظام را به چالش کشید. این نبرد، که از ابعاد مختلف یک جنگ تمام‌عیار محسوب می‌شد، به سرعت به آزمونی برای سنجش میزان آمادگی کشور در برابر تهاجم خارجی متمرکز تبدیل گشت. پیروزی حاصل‌شده در این دوره کوتاه اما طاقت‌فرسا، نتیجه یک معادله پیچیده و چندلایه بود که در آن، عوامل نظامی، راهبردی، سیاسی و مردمی در هم تنیده شدند.

پیروزی ایران در جنگ ۱۲ روزه، صرفاً یک دستاورد تاکتیکی نبود؛ بلکه نمادی از درهم‌تنیدگی موفقیت‌آمیز سه رکن اساسی بود: اراده ملی، تدبیر راهبردی، و هدایت شجاعانه. این سه عنصر، همچون حلقه‌های یک زنجیر، ...

۳ ورزش

وقتی هیچ چیز نمی‌تواند زن ایرانی را از پیروزی باز دارد

پای صحبت‌های نسرین پاسدار، بانوی افتخار آفرین تبریز

۸ شهری

هسته مرکزی تبریز

نیازمند تداوم رویکرد هوشمندانه در ساماندهی و ارتقاء خدمات شهری است



موشک‌های ایرانی؛

ابزاری برای

بازتعریف موازنه‌ی قدرت جهانی

در صفحه ۲

ایران تنها شریک راهبردی چین در خاورمیانه

طرح نو؛ سردبیر
در جهان آشوب‌زده‌ی پس از هفتم اکتبر، خاورمیانه یکبار دیگر به کانون جدال قدرت‌های بزرگ بدل شده است. حمایت همه‌جانبه‌ی ایالات متحده از رژیم صهیونیستی، که چهره‌هایی چون تاکر کارلسن آن را «قربانی شدن آمریکا برای اسرائیل» می‌خوانند، نه فقط نشانه‌ی یک جانبداری سیاسی بلکه آینده‌ای از یک جنگ سرد نوین میان واشنگتن و پکن است. جنگی که میدان اصلی آن دیگر اروپا نیست، بلکه خاورمیانه است؛ همان‌جایی که امروز سرنوشت مسیرهای انرژی، تجارت و حتی تکنولوژی جهان در آن رقم می‌خورد.

آمریکا و بحران مشروعیت در سایه رژیم اسرائیل

حمایت بی‌وقفه‌ی دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان از تل‌آویو، صرف‌نظر از تبعات انسانی و ژئوپلیتیکی آن، مهم‌ترین نشانه‌ی بحران مشروعیت در سیاست داخلی آمریکا است. دموکرات‌ها این سیاست را پاسخی به شکست‌های بی‌دری در افکار عمومی می‌دانند؛ جایی‌که نسل جدید آمریکایی‌ها دیگر سیاست‌های مداخله‌گرانه‌ی واشنگتن را نمی‌پذیرند. در مقابل، جمهوری‌خواهان پس از بازگشت دونالد ترامپ رویکردی حتی تندتر در پیش گرفتند، تا جایی که همگرایی دو حزب در حمایت از اسرائیل به یکی از نادرترین نقاط توافق ملی در ایالات متحده تبدیل شد.

این حمایت فراگیر، خود را در حوادث داخلی نیز نشان می‌دهد: پیروزی چهره‌هایی چون زهران ممدانی در نیویورک، از واکنش اجتماعی به همین وضعیت نشئت گرفته است؛ جامعه‌ای که میان سیاست خارجی و بحران عدالت داخلی پیوندی عمیق یافته است.

رقابت با چین، عامل اصلی اتحاد واشنگتن - تل‌آویو

بنیاد این اتحاد اما در جغرافیای بزرگ‌تری معنا پیدا می‌کند: رقابت هژمونیک آمریکا و چین. در واقع، حمایت بی‌چون‌وچرای واشنگتن از اسرائیل را باید بخشی از استراتژی گسترده‌تر مهار قدرت چین دانست. پکن امروز در تک‌تک شاخص‌های قدرت ملی

ایران و چین؛ پیوندی فراتر از اقتصاد

در قاموس روابط بین‌الملل، «شراکت راهبردی» با اتکا بر منافع مشترک در سه حوزه تعریف می‌شود: انرژی، امنیت و فناوری. ایران و چین در هر سه زمینه مکمل یکدیگرند.

برای چین، ایران دروازه‌ی زمینی و انرژی امن به غرب آسیا و اروپا است؛ برای ایران، چین پشتوانه‌ی اقتصادی و دیپلماتیکی در برابر فشار غرب. این پیوند، با رشد آنچه بعضی تحلیل‌گران «محور شرق» می‌نامند، به تدریج به بدیلی برای نظم آمریکایی در حال تبدیل شدن است.

در سفر اخیر وزیر خارجه‌ی چین به تهران، سخنان او درباره‌ی «ارتقای روابط راهبردی تا سطح همکاری‌های عملیاتی منطقه‌ای» نشانه‌ی همین رویکرد جدید بود. چین می‌داند که هرگونه حضور پایدار در خاورمیانه تنها از مسیر ایران ممکن است؛ چراکه ایران نه وابسته به واشنگتن است، نه در مدار تل‌آویو، و نه درگیر سیاست‌های گذرای خلیج‌نشین‌ها.

خاورمیانه، صحنه‌ی جنگ سرد دوم

جنگ سرد قرن بیست‌ویکم آغاز شده است. این بار نه میان کمونیسم و سرمایه‌داری، بلکه میان دو مدل قدرت جهانی: هژمون نظامی - مالی آمریکا و هژمون زیرساختی - فناوری چین. در این نبرد، خاورمیانه همان اروپا است و ایران همان نقش فرانسه‌ی مستقل دوران دوگل را دارد؛ کشوری که حضورش معادلات شرق و غرب را بهم می‌زند. در چنین شرایطی، درک تهران و پکن از یکدیگر بیش از آن‌که محصول دیپلماسی روزمره باشد، نتیجه‌ی همسویی تاریخی در برابر ساختار قدرت جهانی است.

اگر خاورمیانه قرار است از سایه‌ی نظم آمریکایی خارج شود، راه آن تنها از محور ایران - چین می‌گذرد؛ پیوندی که امروز دیگر فقط اقتصادی نیست، بلکه آموزه‌ی تازه‌ای از استقلال و چندقطبی شدن جهان را در خود دارد.

ایران، تنها شریک راهبردی واقعی چین در خاورمیانه است؛ ستونی که بدون آن، شرق هیچ امیدی به ایستادگی در برابر نظم تک‌قطبی واشنگتن ندارد.



تا تو عمل کند. اما در قالبی منطقه‌ای که جهان عرب و جنوب غرب آسیا را در وابستگی چندلایه به تل‌آویو و واشنگتن نگه دارد. در این طرح، کوچک‌سازی و تجزیه‌ی دولت‌های مستقل خاورمیانه بخشی از فرآیند کنترل است. در رأس فهرست اهداف، نام ایران جای دارد.

ایران؛ نقطه ثقل مقاومت در برابر مهندسی آمریکایی خاورمیانه

از نگاه استراتژیست‌های آمریکایی، کنترل ایران، تسلط بر هرمز، باب‌المندب و مالاکا - سه گره حیاتی تجارت و انرژی در جهان- به معنای شکست چین است. ایران هم از نظر منابع و هم از نظر موقعیت جغرافیایی، جایگاهی دارد که هیچ کشور دیگری در منطقه قادر به جایگزینی آن نیست.

به همین دلیل، دشمنی واشنگتن با تهران نه صرفاً حاصل اختلافات سیاسی یا ایدئولوژیک، بلکه نتیجه‌ی مستقیم رقابت با چین است. مهار ایران، یعنی مهار چین. از سوی دیگر، پکن در سال‌های اخیر این واقعیت را به‌خوبی درک کرده است. تفاهم‌نامه‌ی ۲۵ ساله‌ی همکاری‌های جامع ایران و چین، امضای برنامه‌های مشترک در حوزه‌ی انرژی، فناوری و زیرساخت، و حضور فعال ایران در طرح کمربند و جاده تنها بخشی از نشانه‌های این شراکت راهبردی است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی:

بدون اصلاح الگوی کشت و مقابله با برداشت‌های غیرمجاز آب، احیای دریاچه ارومیه ممکن نیست



طرح نو؛ گروه خبر
مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی با اشاره به نقش برداشت‌های بی‌رویه آب و ضعف نظارت در بحران دریاچه ارومیه، تأکید کرد: بخش عمده مشکلات کنونی ناشی از بارگذاری‌های غلط و توسعه بدون برنامه در حوزه آب و کشاورزی است.

یوسف غفارزاده رنشت «اورمو گولو» (دریاچه ارومیه) که در دانشگاه تبریز برگزار شد، با بیان اینکه سدسازی تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد در وضعیت فعلی تأثیر داشته و ۷۰ درصد مشکل مربوط به برداشت‌های مستقیم از رودخانه‌ها و سفره‌های زیرزمینی است، افزود: در حال حاضر از میان ۶۵۰ هزار حلقه چاه کشور، بیش از ۲۰۰ هزار حلقه غیرمجازند، همین چاه‌ها و برداشت‌های کنترل‌نشده باعث تخریب منابع آب پایدار شده است.

وی با اشاره به تجربه بازدید از دریاچه وان همراه با مدیر آب استان وان ترکیه گفت: زمانی که کنار دریاچه قدم می‌زدیم، به او گفتم چرا در آن منطقه کشاورزی توسعه پیدا نمی‌کند. او پاسخ داد که نیاز به کشاورزی ندارند؛ زیرا درآمد مردم از محل گردشگری دو تا سه برابر کشاورزی است، بنابراین دلیلی ندارد وارد کار سخت کشاورزی شوند.

وی تصریح کرد: در کشور ما اما به دلیل سیاست‌گذاری‌های اشتباه و ایجاد تقاضای مصنوعی، مردم به سمت حفر چاه‌های غیرمجاز و تبدیل مراتع به زمین کشاورزی حرکت کرده‌اند، این در حالی است که کشاورزی در بسیاری از مناطق درآمد قابل توجهی ندارد و عملاً پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی را از بین می‌برد.

غفارزاده با اشاره به اهمیت الگوی درست بهره‌برداری از آب گفت: سه ماه پیش در استان قم از باغ ۱۱۰ هکتاری پسته‌ای بازدید کردم، صاحب باغ، با تنها دو هزار و ۲۰۰ متر مکعب آب در هر هکتار محصول تولید می‌کرد و همه مراحل بسته‌بندی را نیز خودش انجام می‌داد، این در حالی است که در حوزه دریاچه ارومیه برای برخی محصولات تا هفت هزار و ۸۰۰ متر مکعب آب مصرف می‌شود.

وی افزود: این مقایسه نشان می‌دهد که با تغییر الگوی کشت و اصلاح روش‌های بهره‌برداری، می‌توان مصرف آب را به یک‌سوم کاهش داد و همچنان تولید اقتصادی داشت. به همین دلیل معتقدم احیای دریاچه ارومیه نیازمند یک انقلاب کشاورزی و تصمیم‌گیری‌های انقلابی در سطح ملی است.

سرمقاله

پیروزی در جنگ ۱۲ روزه

مرهون فرماندهی

شجاعانه‌ی رهبری

و اتحاد و همدلی مردم بود

طرح نو؛ سردبیر
جنگ دوازده‌روزه، برهه‌های حساس و تعیین‌کننده در تاریخ معاصر ایران بود که نه تنها توانایی‌های نظامی این کشور، بلکه عمق انسجام اجتماعی و پایداری نظام را به چالش کشید. این نبرد، که از ابعاد مختلف یک جنگ تمام‌عیار محسوب می‌شد، به سرعت به آزمونی برای سنجش میزان آمادگی کشور در برابر تهاجم خارجی متمرکز تبدیل گشت. پیروزی حاصل‌شده در این دوره کوتاه اما طاقت‌فرسا، نتیجه یک معادله پیچیده و چندلایه بود که در آن، عوامل نظامی، راهبردی، سیاسی و مردمی در هم تنیده شدند.
پیروزی ایران در جنگ ۱۲ روزه، صرفاً یک دستاورد تاکتیکی نبود؛ بلکه نمادی از درهم‌تنیدگی موفقیت‌آمیز سه رکن اساسی بود؛ اراده‌ی ملی، تدبیر راهبردی، و هدایت شجاعانه. این سه عنصر، همچون حلقه‌های یک زنجیر، توانستند تمام اجزای کشور را به صورت منسجم و همدفند در مسیر مقاومت قرار دهند. این نبرد، فراتر از میدان تقابل صرفاً نظامی، به مثابه آزمونی بزرگ برای همبستگی مردمی و کارآمدی مدیریتی عمل کرد و چهره جدیدی از اقتدار ملی ایران را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به نمایش گذاشت.

عنصر محوری در دستیابی به این پیروزی، اراده جمعی مردم ایران بود. این اراده، نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه تجلی عینی تصمیم میلیون‌ها نفر برای دفاع از تمامیت ارضی و آزادی ملی بود. در ساعات اولیه بحران، ماشین بسیج عمومی کشور با سرعت بی‌سابقه‌ای فعال شد. این بسیج، تنها شامل سازماندهی نیروهای نظامی نبود، بلکه شامل بسیج تمام ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فکری جامعه بود.

در مراکز شهری و روستایی، مردم با ارائه خدمات پشتیبانی، اهدای منابع و حضور داوطلبانه در خطوط پشت جبهه، عمق تعلق خاطر خود به کشور را نشان دادند. آنها نشان دادند که در مواجهه با تهدیدات مستقیم، انسجام مدنی مانع از فروپاشی روانی جامعه خواهد شد. و این مقاومت روانی، سنگر مستحکم‌ی در برابر تلاش‌های دشمن برای ایجاد شکاف داخلی بود. نرخ بالای داوطلبان برای اعزام به مناطق پرخطر، نشان‌دهنده درک عمیق مردم از ابعاد وجودی این جنگ بود.

نقش رهبری نیز در تبیین مستمر و صادقانه ابعاد جنگ و اطمینان‌بخشی به مردم، حیاتی بود. با پرهیز از بزرگ‌نمایی‌های کاذب و ارائه واقع‌بینانه همراه با خوش‌بینی مبتنی بر توانایی‌ها، روحیه امید در میان مردم زنده نگه داشته شد. این تبیین، بر این اصل استوار بود که «مقاومت، خود پیروزی است».

اما تدبیر راهبردی، به کارگیری هوشمندانه منابع محدود در برابر یک تهدید گسترده‌تر اشاره دارد. در طول ۱۲ روزه، تصمیمات کلیدی در سطوح عالی فرماندهی با هدایت مستقیم رهبری، مسیر جنگ را تعیین کرد. با این تدبیر راهبردی بود که نیروهای مسلح با اتکا به عقلانیت میدانی، توانستند تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند. استراتژی اصلی بر پایه «دفاع متحرک» بنا نهاده شد که نیازمند جابجایی سریع نیروها و تمرکز آتش در نقاط حیاتی بود. در این استراتژی، تمرکز بر حفظ خطوط تماس اولیه نبود، بلکه هدف، فرسایش توان تهاجمی دشمن در عمق و جلوگیری از تثبیت مواضع آن‌ها بود.

نقش رهبری در هماهنگی اجتماعی-نظامی

رهبری کشور در این دوران، نقش فرماندهی صرف را پشت سر نهاده و به مرکز تصمیم‌سازی و هماهنگی اجتماعی بدل شد. این امر از تشتت منابع جلوگیری کرد. جلسات هماهنگی روزانه میان فرماندهان نظامی، مسئولان پشتیبانی و نهادهای مدنی، تضمین کرد که روحیه عمومی جامعه از طریق رسانه‌ها و تحت هدایت واحد، مدیریت گردد. همچنین هدایت شجاعانه در دو سطح عملیات نظامی و مدیریت روانی جامعه متبلور شد. و مجاهدت مداوم نیروهای مسلح باعث ایجاد انسجام عملیاتی غیرمنتظره شد. استفاده از تاکتیک‌های نوین نیز توانست برتری عددی و تجهیزاتی دشمن را خنثی سازد.

ثبوت روایتی نوین از اقتدار ملی

پیروزی در جنگ ۱۲ روزه، پایه‌های قدرت ایران را در سه سطح مستحکم کرد؛ ۱- وحدت صادقانه مردم، ۲- اثبات توانمندی و عقلانیت در بحران ۳- پیامدهای راهبردی بلندمدت.
آنچه این پیروزی را ماندگار می‌کند، وحدت صادقانه مردم ایران بود. مردم با باور به این حقیقت که سرنوشت کشور در گرو همدلی، ایستادگی و اعتماد به هدایت واحد ملی است، اختلافات جناحی و سلیقه‌ای را کنار گذاشتند. و این «همدلی عملیاتی» به نیروی پنجم در برابر دشمن تبدیل شد. و نتیجه این هم‌افزایی، نه تنها پایان موفق جنگ، بلکه ثبوت روایتی نوین از توانمندی ایران در عرصه بین‌المللی بود. این روایت مبتنی بر دو مفهوم بود؛ قدرت بازدارندگی مبتنی بر اراده و عقلانیت مدیریت بحران.

جنگ ۱۲ روزه، به ایران این درس را آموخت که آسیب‌پذیری‌ها باید به سرعت تبدیل به نقاط قوت شوند. از این پس، آمادگی دفاعی کشور به صورت یک فرآیند مستمر (نه صرفاً واکنش به تهدید) تعریف شد.
این پیروزی، سر برآوردن از دل بحران و تبدیل آن به نماد عزت، عقلانیت و انسجام ملی بود که الگویی برای سایر چالش‌های آینده کشور فراهم آورد. این ۱۲ روز، کوتاه‌ترین و در عین حال پرمحتواترین دوره در اثبات اقتدار ایران بود.

موشک‌های ایرانی؛

ابزاری برای بازتعریف موازنه‌ی قدرت جهانی



قدرت موشکی ایران، نقش محوری در تحکیم و تعریف استراتژی «محور مقاومت» ایفا کرده است. موشک‌ها به عنوان «سپر اصلی» این محور عمل می‌کنند. در گذشته، هرگونه اقدام تلافی‌جویانه علیه نیروهای مقاومت در لبنان، سوریه یا یمن، می‌توانست با خطر حمله مستقیم گسترده‌تر اسرائیل یا آمریکا به خاک ایران مواجهه شود. اما امروز، این معادله وارونه شده است.

چون توانایی ایران در پاسخ‌دهی مستقیم و سنگین به هرگونه تجاوز به متحدانش، این گروه‌ها را قادر می‌سازد تا با ریسک کمتری، اهداف استراتژیک دشمنان منطقه‌ای را هدف قرار دهند (مانند تجاوز نظامی و پهبادی اخیر به اسرائیل).

همچنین تهران به صراحت اعلام کرده است که پاسخ به حملات محدود به نیروهایش در منطقه، با استفاده از سامانه‌های دفاعی یا نیروهای نیابتی خواهد بود، اما هرگونه حمله مستقیم به خاک ایران، با پاسخی غیرقابل تحمل و با استفاده از موشک‌های دوربرد، پاسخ داده خواهد شد. این امر، آستانه تجاوز نظامی برای دشمنان ایران را به شدت بالا برده است.

رابطه با چین و روسیه و افزایش وزن دیپلماتیک

در چارچوب رقابت قدرت‌های بزرگ میان آمریکا و رقبای آن، برنامه موشکی ایران از یک موضوع محدودکننده تبدیل به یک کارت چانه‌زنی مهم شده است.

ایران با توانایی موشکی خود، نقش خود را از یک بازیگر صرفاً منطقه‌ای به یک «مهارکننده بالقوه» در برابر نفوذ غرب در تنگه‌های استراتژیک خاورمیانه ارتقا داده است. توانایی ایران در مسدودسازی یا تهدید مسیرهای انتقال انرژی (مانند تنگه هرمز یا باب‌المندب از طریق متحدانش)، وزن دیپلماتیک تهران را در تعاملات با پکن و مسکو افزایش می‌دهد. برای چین و روسیه، حفظ یک ایران قدرتمند مستقل از نفوذ غرب، یک مزیت استراتژیک محسوب می‌شود. این امر منجر به تبادل فناوری‌های پیشرفته‌تر (به‌ویژه در زمینه رادارهای پیشرفته و سیستم‌های دفاع هوایی) شده که به تقویت بیش از پیش دکترین موشکی ایران کمک کرده است.

تأثیر بر ثبات قیمت انرژی

خاورمیانه همچنان شریان حیاتی انرژی جهان است. توان موشکی ایران، که بر قابلیت آسیب‌رسانی به زیرساخت‌های حیاتی انرژی (مانند پلنترهای نفتی در خلیج فارس یا خطوط لوله اصلی) تمرکز دارد، توانایی تبدیل کردن هرگونه منازعه نظامی به یک بحران انرژی جهانی را تقویت کرده است.
در شرایطی که جهان به شدت به نفت و گاز منطقه وابسته است، هرگونه اقدام نظامی تحریک‌آمیز، بازار جهانی را فوراً در معرض شوک قرار می‌دهد. این عامل، کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای را وادار می‌کند تا در محاسبه ریسک‌های نظامی، ملاحظات اقتصادی جهانی را نیز در نظر بگیرند.

در مواجهه با صدها موشک بالستیک میان‌برد و دقیق‌تر آن اشاع می‌شود.

همچنین قدرت تخریب موشک‌های ایرانی اجازه می‌دهد تا اجزای زیرساختی حیاتی (نظیر تأسیسات نفتی و پالایشگاه‌ها، مراکز فرماندهی نظامی نظیر کریا، و از همه مهم‌تر، سایت‌های هسته‌ای دیمونا یا نِگور) مستقیماً هدف قرار گیرند. هدف قرار دادن دیمونا، یک تهدید وجودی مستقیم است؛ اما هدف قرار دادن تأسیسات استراتژیک انرژی، بازبایی پس از یک درگیری را برای تل‌آویو به‌شدت دشوار می‌سازد و اقتصاد ملی آن را فلج می‌کند. این امر، توانمندی، معادله هزینه - منفعت اسرائیل در هرگونه درگیری احتمالی را به نفع انتظار و خویشتن‌داری تغییر داده است.

همچنین باید گفت که؛ حضور نظامی گسترده ایالات متحده در منطقه (پایگاه‌های هوایی در قطر، امارات، بحرین و عراق) برای دهه‌ها اهرم فشار اصلی واشنگتن بوده است. دکترین عمق نفوذی مستقیماً این اهرم را هدف قرار می‌دهد. تعداد زیاد موشک‌های بالستیک و کروز ایران، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که پدافند موشکی آمریکا مانند سامانه‌های THAAD یا پاتریوت در برابر حجم آتش هماهنگ شده، کارایی خود را از دست بدهند. با توجه به استقرار این پایگاه‌ها در قلمرو کشورهای متحد منطقه‌ای، آمریکا در معرض یک تهدید مستقیم و قریب‌الوقوع قرار می‌گیرد.

در کواچه با آمریکا تمرکز بر آسیب‌رساندن به شبکه‌های فرماندهی و کنترل منطقه‌ای این کشور یکی از اهداف اصلی است. انهدام یک مرکز ارتباطی یا یک سایت راداری پیشرفته می‌تواند کارایی عملیاتی نیروهای آمریکایی را در یک درگیری کوتاه مدت به شدت کاهش دهد...

در دکترین‌های کلاسیک، عمق استراتژیک به میزان سرزمینی اطلاق می‌شود که یک کشور می‌تواند از مرزهای خود عقب‌نشینی کند تا نیروهای مهاجم را خسته سازد (مانند روسیه). در دکترین ایران، این مفهوم معنای جدیدی یافته است. عمق استراتژیک ایران دیگر در مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه در توانایی آسیب زدن به عمق سرزمین‌های فرمانده‌های متخاصم (از طریق متحدان منطقه‌ای یا مستقیماً) تعریف می‌شود. و این امر به معنای «ایجاد یک کمربند دفاعی تهاجمی» است. ایران توانسته است با استفاده از متحدان منطقه‌ای خود، موشک‌های هدایت‌شونده و پهبادها را در قلمروهای مختلف مستقر سازد. این نیروهای نیابتی، به عنوان بازوهای اجرایی دکترین عمق نفوذ عمل می‌کنند، در حالی که قابلیت‌های موشکی مستقیم ایران (که از خاک ایران شلیک می‌شوند) نقش ضربه‌زن نهایی و تضمین‌کننده واکنش قاطع را ایفا می‌کنند.

پیامدهای بین‌المللی و موازنه منطقه‌ای

توسعه این قابلیت‌های موشکی، بازتاب‌های گسترده‌ای بر روابط ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین بر ثبات اقتصادی جهان داشته است.

رسیدن به نقطه بلوغ کامل) صرفاً برای جلوگیری از حملات نابودگرانه به کار می‌آید.

ورود به عصر دقت و سرعت با تکامل فن آوری

گذر از نسل‌های اول موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد و میان‌برد (مانند سری شهاب و قیام) به نسل جدید، نشان‌دهنده ورود ایران به مرحله جدیدی از قابلیت‌های استراتژیک است.

موشک‌های بالستیک اولیه اغلب از دقت هدف‌گیری پایینی برخوردار بودند، که آن‌ها را بیشتر به ابزاری برای ضربه به مناطق وسیع یا اهداف غیرحیاتی تبدیل می‌کرد. تحولات اخیر نشان‌دهنده تمرکز شدید بر سیستم‌های هدایت اینرسی پیشرفته، ناوبری ماهواره‌ای و به‌ویژه سیستم‌های هدایت فعال در مرحله نهایی پرواز بالا است.

امروزه، دقت موشک‌های ایران به سطوح قابل مقایسه با توانمندی‌های پیشرفته‌ترین قدرت‌های نظامی جهان رسیده است. این دقت امکان هدف قرار دادن تأسیسات حساس نقطه‌ای (مانند انبارهای سوخت، پایگاه‌های فرماندهی یا سیستم‌های پدافند موشکی) را فراهم می‌آورد، که تأثیر استراتژیک یک پرتاب را به مراتب افزایش می‌دهد.

یکی از بزرگترین چشم‌ها، توسعه موشک‌های کروز زمینی (مانند سومار، هویزه و پاوه) و موشک‌های هایپرسونیک بوده است.

موشک‌های کروز با پرواز در ارتفاع پایین توانایی فوق‌العاده‌ای برای نفوذ به عمق سامانه‌های راداری و پدافندی دارند. برد آن‌ها (که به بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر رسیده) امکان هدف‌گیری اهداف حیاتی در عمق سرزمین‌های رژیم اسرائیل یا پایگاه‌های دورتر آمریکایی را فراهم می‌آورد، در حالی که مسیر پروازی آن‌ها برای ردیابی و رهگیری دشوارتر از موشک‌های بالستیک کلاسیک است.

اگرچه جزئیات فنی موشک‌های هایپرسونیک (مانند موشک فاتح-۲) یا موشک‌های مبتنی بر گلایدرهای مافوق صوت) همچنان در پرده‌ای از ابهام قرار دارند، وجود آن‌ها نشان می‌دهد که دکترین ایران به سمت غلبه بر هرگونه پدافند موشکی نسل آینده حرکت می‌کند. سرعت‌های بیش از ۵ ماخ، زمان واکنش سامانه‌های دفاعی را به شدت کاهش داده و عملاً رهگیری آن‌ها را در وضعیت فعلی فناوری دفاعی، ناممکن می‌سازد.

دکترین بازدارندگی دوربرد

دکترین عمق نفوذ، هدفش ایجاد بازدارندگی نه تنها در مرزهای سرزمینی ایران، بلکه در قلمروهای تحت نفوذ و منافع حیاتی طرف‌های متخاصم است. این امر منجر به تغییر پارادایم تهدید شده است.
برای مدیریت روزمره بحران، نمایش قدرت، و اجرای بازدارندگی فعال در مقیاس منطقه‌ای هستند. این‌ها قابلیت‌هایی هستند که می‌توانند در صورت لزوم، بدون عبور از آستانه هسته‌ای، اهداف استراتژیک را منهدم کنند.
به عبارت دیگر، موشک‌ها ابزار مدیریت تهدیدات روزمره و نمایش قدرت بازدارندگی در برابر حملات محدود یا تهدیدهای منطقه‌ای هستند، در حالی که برنامه هسته‌ای (در صورت

طرح نو؛ سردبیر

سردبیر: در تاریخ روابط بین‌الملل، قدرت نظامی همواره مترادف با توانایی تهاجم تعریف شده است. تهاجم به معنای توانایی تحمیل اراده بر دشمن از طریق نیروی نظامی برتر، اغلب با تکیه بر نیروی هوایی و دریایی مسلط، برای کسب مزیت‌های جغرافیایی یا سیاسی بود. اما در قرن بیست و یکم، این تعریف دستخوش دگرگونی بنیادین شده است؛ جایی که «بازدارندگی» بر «تهاجم» پیشی گرفته است. عصر ما عصر تهدید متقابل تضمین شده در مقیاس منطقه‌ای و فراتر از آن است، جایی که هزینه حمله، از هرگونه منفعت احتمالی آن فراتر می‌رود.

ایران، با تمرکز راهبردی و استراتژیک بر برنامه موشکی خود طی دهه‌های اخیر، از یک قدرت منطقه‌ای تحت فشار، به یک بازیگر کلیدی در معادلات جهانی تبدیل شده است که توانایی اعمال هزینه‌ی غیرقابل تحمل به هر مهاجمی را دارد. این دکترین موشکی، که می‌توان آن را «دکترین عمق نفوذ» نامید، تلاشی منسجم برای تبدیل ضعف‌های ساختاری (مانند عدم برخورداری از نیروی هوایی برتر یا نیروی دریایی اقیانوس‌پیما) به نقاط قوت استراتژیک محسوب می‌شود.

این گزارش تحلیلی، نمایش قدرت موشکی ایران را نه به عنوان یک رزمایش تبلیغاتی، بلکه به عنوان یک «وضعیت موجود جدید» در موازنه قدرت غرب آسیا و فراتر از آن، مورد کالبدشکافی قرار می‌دهد. این توسعه، نه تنها توان بازدارندگی سنتی غرب را تقویت کرده، بلکه طلسم بازدارندگی سنتی غرب را شکسته است؛ طلسمی که مبتنی بر این فرض بود که قدرت‌های منطقه‌ای قادر به آسیب زدن به عمق سرزمین‌های متخاصم نیستند.

از ضرورت تاکتیکی تا ضرورت استراتژیک

برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران، یک پاسخ منفعل به تهدیدات خارجی نبوده، بلکه یک انتخاب فعال برای شکل‌دهی به محیط عملیاتی خود بوده است.

ریشه‌های برنامه موشکی ایران عمیقاً در تجربیات جنگ تحمیلی (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و تحریم‌های نظامی متعاقب آن نهفته است. در طول جنگ، برتری مطلق هوایی عراق، که مورد حمایت مستقیم قدرت‌های غربی قرار داشت، یکی از ویرانگرترین ابزارهای اعمال فشار بود. حملات مکرر به شهرها، زیرساخت‌ها و مراکز صنعتی ایران، این حقیقت تلخ را به فرماندهان نظامی ایران القا کرد که برای حفظ موجودیت خود در برابر دشمنی که از حمایت هوایی و تسلیحاتی گسترده برخوردار است، نیاز به یک «عامل بازدارنده غیرقابل مقابله» دارند.

موشک‌ها در این بستر، به عنوان «تنها ضامن بقای ارضی» تعریف شدند. در شرایطی که دسترسی به خرید تسلیحات پیشرفته و حفظ ناوگان هوایی بین‌المللی تقریباً ناممکن بود، توسعه یک توانمندی داخلی، خودکفا و قابل حمل (قابل استتار و آماده‌سازی سریع) ضروری تلقی شد. این امر نه تنها یک انتخاب، بلکه یک الزام استراتژیک برای جلوگیری از تکرار سناریوهای جنگی گذشته بود.

یکی از اشتباهات رایج در تحلیل‌های ژئوپلیتیک، تلفیق دکترین موشکی با برنامه هسته‌ای است. در حالی که هر دو مؤلفه‌هایی از قدرت بازدارندگی ایران محسوب می‌شوند و کارکرد و زمان‌بندی عملیاتی آن‌ها متفاوت است. برنامه هسته‌ای عمدتاً به عنوان یک ابزار بازدارندگی سطح بالا و نهایی تلقی می‌شود؛ یک «تأمین‌کننده خط قرمز نهایی» که هدف آن جلوگیری از بزرگترین تجاوزات امنیتی (نظیر اشغال تمام‌عیار یا نابودی کامل زیرساخت‌های حیاتی دولتی) است. این ابزار ماهیتی پنهان‌تر، زمان‌برتر و با کاربرد محدود به سناریوهای وجودی دارد. اما موشک‌ها، به ویژه موشک‌های بالستیک و کروز، ابزاری «قابل مشاهده، قابل سنجش و قابل استفاده در دکترین فشار» هستند. آن‌ها ابزاری برای مدیریت روزمره بحران، نمایش قدرت، و اجرای بازدارندگی فعال در مقیاس منطقه‌ای هستند. این‌ها قابلیت‌هایی هستند که می‌توانند در صورت لزوم، بدون عبور از آستانه هسته‌ای، اهداف استراتژیک را منهدم کنند.

به عبارت دیگر، موشک‌ها ابزار مدیریت تهدیدات روزمره و نمایش قدرت بازدارندگی در برابر حملات محدود یا تهدیدهای منطقه‌ای هستند، در حالی که برنامه هسته‌ای (در صورت

گزارش

وقتی هیچ چیز نمی تواند زن ایرانی را از پیروزی باز دارد

پای صحبت های نسرین پاسدار، بانوی افتخار آفرین تبریز



طرح تو؛ گروه ورزش در بیست و سومین دوره مسابقات آسیایی دوومیدانی که از ۵ تا ۹ نوامبر (۱۴ تا ۱۸ آبان ماه) در هندوستان برگزار شد، نام ایران بار دیگر بر فراز سکوها درخشید و در میان ۵۰۰۰ ورزشکار از ۲۱ کشور آسیایی، حضور یک زن ایرانی با حجاب اسلامی، تصویری ماندگار از عزت و هویت فرهنگی ما را به جهان عرضه کرد.

نسرین پاسدار بخشایش، قهرمان پرافتخار این رقابت ها ساکن تبریز و کارمند آموزش و پرورش است که با چهار مدال ارزشمند و پرچم ایران در دست، نه تنها افتخاری بزرگ برای کشور آفرید، بلکه نشان داد زن ایرانی می تواند با ایمان، تلاش و حجاب، بر بلندای سکوها جهانی بایستد؛ اکنون او در آستانه حضور در مسابقات جهانی کره جنوبی است.

پاسدار بخشایش در نخستین روز از رقابت های آسیایی در ماده ۵۰۰۰ متر استقامت یا گام های استوار و ازاده ای مثال زدنی به مقام نخست رسید و مدال طلا را به گردن آویخت. او این لحظه را «غروری و وصف ناپذیر» می داند؛ لحظه ای که پرچم ایران بالا رفت و حضور یک زن ایرانی بر سکوی قهرمانی، تصویری ماندگار از افتخار ملی شد. پاسدار، سپس در ماده ۱۵۰۰ متر، توانست مدال نقره کسب کند و اما نقطه اوج حضورش در روز پایانی بود؛ جایی که در دو ماده امدادی ۱۰۰۰ متر و ۴۰۰۰ متر، همزمان مدال نقره و برنز گرفت؛ این موفقیت ها او را در زمره معدود ورزشکاران چهارمداله ایران قرار داد.

پاسدار بخشایش پس از این افتخارات، نگاهش را به مسابقات جهانی کره جنوبی دوخته است و هرچند پیست باغ شمال تبریز در حال بازسازی است، اما او

وی با بیان این که در آستانه مسابقات جهانی کره جنوبی، شرایط تمرین برای من کمی پیچیده است، ادامه داد: پیست دو و میدانی باغ شمال تبریز سه ماه است در دست تعمیر بوده و هنوز زمان آماده سازی آن مشخص نیست؛ همین موضوع باعث شده تمرین هایم را در شرایط سخت و بدون امکانات استاندارد ادامه دهم و با وجود مشغله های کاری به عنوان مدرس دانشگاه و مربی ورزشی، تنها صبح های زود یا عصرها پس از پایان کار می توانم تمرین کنم؛ سختی ای که گاهی بسیار دردناک است، اما عشق به ورزش و هدف بزرگ، انگیزه ای می شود تا با تلاش و انگیزه ادامه دهم.

پاسدار بخشایش خاطر نشان می کند: در سال های اخیر توانستم در کشورهای مختلف مانند چین، مالزی و فیلیپین و همچنین در مسابقات جهانی فنلاند شرکت کنم و مدال های متعددی به دست آورم. بارها پرچم ایران را در میدانی بین المللی بالا برده ام و هر بار این لحظه برایم تجربه ای تازه و بی نظیر بوده است؛ غروری که به میلیون ها نفر منتقل می شود.

این مدال آور رشته دو و میدانی با بیان این که حضور بانوان ایرانی در عرصه های بین المللی ورزشی فراتر از یک موفقیت فردی است، ادامه می دهد: این حضور نماد توانمندی، اراده و هویت فرهنگی ما بوده و هر مدالی که یک زن ایرانی با حجاب کامل کسب می کند، پیامی جهانی از قدرت و پشتکار زنان ایران است؛ این دستاوردها نه تنها برای جامعه ورزشی، بلکه برای همه زنان و دختران ایرانی الهام بخش است و نشان می دهد هیچ چیزی مانع تحقق رویاهای زنان ایرانی نیست.

پاسدار بخشایش در آرزوی موفقیت های نسرین پاسدار بخشایش در مسابقات دو و میدانی، تنها یک افتخار فردی نیست؛ او امروز به نمادی از توانمندی زنان ایرانی و به ویژه دختران تبریزی تبدیل شده است و چهار مدالی که در هندوستان به دست آورد، نشان داد که تبریز، شهری با پیشینه ورزشی و فرهنگی غنی، همچنان می تواند قهرمانانی پرورش دهد که در سطح قاره بدرخشند. این دستاوردها یادآور ضرورت حمایت همه جانبه از ورزشکاران زن است؛ به ویژه در شهرهایی چون تبریز که ظرفیت های ورزشی بالایی دارند اما نیازمند توجه بیشتر در زیرساخت ها هستند و هر مدالی که پاسدار بخشایش کسب می کند، نه تنها غرور ملی، بلکه شادی و امیدی تازه برای مردم تبریز است و بی تردید حمایت از او و ورزشکاران مشابه، سرمایه گذاری بر روی آینده ای سرشار از قهرمانی است که می تواند نام ایران و تبریز را بارها بر بلندترین سکوها جهانی ثبت کند.

خبر

قهرمانی مقتدرانه پتروشیمی تبریز در لیگ دوچرخه سواری کشور



طرح تو؛ یونس نهاری تیم دوچرخه سواری پتروشیمی تبریز پس از ۱۰ سال دوری از رقابت های رسمی، در بازگشتی چشمگیر و امیدآفرین، موفق شد با اتکا به حمایت های مدیریت شرکت و برنامه ریزی هدفمند، عنوان قهرمانی لیگ های مختلف دوچرخه سواری کشور را از آن خود کند و بار دیگر نام پتروشیمی تبریز را در ورزش ملی کشور مطرح سازد.

در نخستین حضور این تیم پس از یک دهه، رکاب زنان جوان پتروشیمی تبریز در فصل ۱۴۰۴ لیگ برتر کشور عملکردی کم نظیر ثبت کردند و موفق شدند عناوین زیر را کسب کنند: - مقام اول لیگ جاده کشور، مقام اول لیگ پیست کشور

مقام دوم لیگ کوهستان کشور بر این اساس، تیم دوچرخه سواری پتروشیمی تبریز در رده سنی جوانان و در بخش های جاده و پیست فصل ۲۰۲۵، با کسب بیشترین امتیاز، صدر جدول رده بندی لیگ برتر کشور را به خود اختصاص داد.

این دستاوردها نشان دهنده ظرفیت بالای ورزشکاران، برنامه های توسعه ای باشگاه و توجه ویژه مجموعه

پتروشیمی تبریز به پرورش استعداد های آینده دار استان و کشور است. قهرمانی ارزشمند تیم پس از ۱۰ سال غیبت، بار دیگر عزم پتروشیمی تبریز را برای حمایت از ورزش قهرمانی به نمایش گذاشت و نویدبخش روزهای روشن تر برای این تیم پرافتخار در سال های پیش رو خواهد بود. تیم پتروشیمی تبریز در فصل گذشته با همکاری هیئت دوچرخه سواری آذربایجان شرقی برای حضور در مسابقات ملی آماده شد و تمرکز اصلی آن بر حمایت از استعداد های نوجوان و جوان و تقویت رده های پایه قرار داشت.

خبر

تیم فوتبال ایک پلاس به لیگ مناطق کشوری صعود کرد

شهرستان تبریز، نادر دره مالک مجتمع تجاری و تفریحی ایک پلاس و حامی مالی باشگاه، بهرام زرنشاس مدیر باشگاه، علیرضا اکریور سرمربی تیم و همچنین بازیکنان تیم در مجتمع ایک پلاس برگزار شد. ایندیتیم با حمایت های همه جانبه مدیریت و مالک ایک پلاس و در کنار آن درایت و مدیریت اصغر محمدی شریانی چهره خوشنام ورزش و فوتبال استان توانست باز هم به هدف خود دست پیدا کند گفتنی است، تیم فوتبال ایک پلاس مقام دوم لیگ جوانان استان، مقام سوم لیگ برتر استان و همچنین مجوز صعود به لیگ مناطق کشوری را کسب کرده است.

طرح تو؛ یونس نهاری تیم فوتبال جوانان ایک پلاس با اقتدار توانست به لیگ مناطق کشوری صعود کند این تیم مستعد و آینده ساز که برگرفته از فوتبالیست های گمنام و جوان دیار ستارخان و باقرخان می باشد به دو عنوان مهم دست یافتند این تیم به سبب کسب نتایج ایده آل و کسب جواز صعود به لیگ مناطق کشوری با حضور رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان تبریز در مراسم تجلیل از بازیکنان و کادر باشگاه ایک پلاس

، مراسم تجلیل از بازیکنان و کادر باشگاه ایک پلاس با حضور مهدی نوائی رئیس اداره ورزش و جوانان

خبر

هافبک مس سونگون و روایت فراموشی ترسناک!



طرح تو؛ گروه ورزش هافبک تیم فوتبال مس سونگون ورزشان می گوید بازی با نساجی و اتفاقی که در این بازی برایش رخ داد را به خاطر نمی آورد.

علی نجفی، هافبک سابق تیم تراکتور که اکنون در ترکیب مس سونگون بازی می کند، پس از مصدومیتی که در دیدار این هفته تیمش مقابل نساجی مازندران به وجود آمد، دوران نقاهت خود را سپری می کند. مصدومیت این بازیکن در جریان یک برخورد هوایی با بازیکن حریف رخ داد و با توجه به شدت حادثه می توانست خطرناک و جدی باشد اما با خوش شانس شرایط برای نجفی به خیر گذشت. اکنون او تحت نظارت کادر پزشکی تیم قرار دارد و روند بهبودش به آرامی و با دقت دنبال می شود تا هرچه سریع تر بتواند دوباره به میدانی بازگردد.

نجفی در گفتگو با خبرنگار ما با اشاره به صحنه برخورد اظهار داشت: صادقانه بگویم هیچ چیزی از آن لحظه و حتی جریان بازی یادم نمی آید. فقط می دانم که بعد از اتفاقی که برام افتاد، حدود ۲۴ ساعت حافظه ام را از دست داده بودم.

وی با بیان اینکه جزئیات ماجرا را بعداً از هم تیمی های ششیده است، افزود: پس از اینکه هوشیاری ام را به دست آوردم، به من گفتند در حول و حوش

دقیقه ۳۰ بازی با نساجی در یک نبرد هوایی سر به سر شدم و هنگام فرود با پشت سر به زمین خوردم. بعد از آن دیگر نتوانستم ادامه بدهم و تعویض شدم. نجفی که پس از حادثه به بیمارستان منتقل شده، درباره وضعیت جسمانی اش نیز توضیح داد: وقتی به هوش آمدم دیدم در بیمارستان هستم. از ناحیه سر سی تی اسکن گرفتم و خدا را شکر نتیجه عکس برداری ها مثبت بود و پزشکان گفتند مشکل جدی وجود ندارد. هافبک مس سونگون در ادامه با اشاره به شرایطی فنی این تیم بعد از تغییرات کادرفنی عنوان کرد: خوشبختانه از زمان حضور آقای بخش زاده وضعیت تیم ما خیلی بهتر شده است. دو برد خانگی اخیر باعث شد روحیه تیم بالا برود و حالا برای ادامه فصل بسیار امیدواریم.

نجفی مسابقات پایانی نیم فصل را بسیار حساس توصیف کرد و گفت تیمش در پنج هفته آخر مقابل رقبای پایین جدولی قرار می گیرد. وی تصریح کرد: اگر بتوانیم در این بازی ها نتایج خوب بگیریم، می توانیم به جدول برگردیم و حتی جایگاه بهتری کسب کنیم.

این بازیکن به تغییرات مدیریتی باشگاه نیز اشاره کرد و با انتقاد از شرایط ابتدای فصل گفت: اول فصل مدیران قبلی دنبال فروش تیم بودند و همین



شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

«آگهی فراخوان مناقصه»

شماره: ۱۰۹-۱۴۰۴ (نوبت دوم)

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی در نظر دارد پروژه تعمیرات شبکه تغذیه و توزیع و علمکهای (فولادی و پلی اتیلنی) و ایستگاههای شهرستان چار اویماتی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir برگزار ، و به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید.

بدین منظور از کلیه شرکتها و پیمانکاران ذیصلاح دارای حداقل پایه ۵ تاسیسات و تجهیزات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و با توانایی تهیه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ -/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۲ (دو میلیارد ریال) دعوت می نماید، حداکثر تا ۱۰ روز پس از انتشار نوبت دوم این آگهی، اعلام آمادگی خود را و فرمهای تکمیل شده ارزیابی ، تصویر مدارک مذکور و مستندات مندرج در فرم ارزیابی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ارسال نمایند. ضمناً در اسناد مناقصه توزیعی ، تاریخ تحویل پاکات و گشایش پیشنهادات قید گردیده است . مناقصه گران باید در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ثبت نام و گواهی امضای الکترونیکی را دریافت نمایند.

تلفن ۳۴۴۹۶۲۷۴ و ۰۴۱-۳۴۴۴۸۰۹۵

دورنگار ۰۴۱-۳۴۴۴۷۰۸۹

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۴۸۳۶۱ م الف: ۱- تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

فاطمیه آسمانی از شکوه و عزت است



دارد امسال اشک‌هایم رنگ و روی دیگری
فاطمیه می‌دهد امسال بوی دیگری
فاطمیه شور غیرت بر لب ما می‌نهد
فاطمیه بوی احساس و حماسه می‌دهد
فاطمیه آسمانی از شکوه و عزت است
فاطمیه چیرگی روشنی بر ظلمت است
فاطمیه آزمون عاشقی پای علی است
فاطمیه مکتب درس اطاعت از ولی است
خوش‌به‌حال‌هر‌که‌شددراین‌سیاهی‌روسیپید
هر که را مادر خریداری نمودش شد شهید
خواب‌دیدم‌خواب،‌خوابی‌که‌چنان‌افسانه‌بود
محلل آیینه و شمع و گل و پروانه بود
پرده بالا رفت دیدم حور بود و حور بود
نور بود و نور بود و نور بود و نور بود
ناگهان صف پشت صف بی‌واهمه وارد شدند
روی لب یفاطمه یفاطمه وارد شدند
لشکری از مرد و زن از کودک و پیر و جوان
آمدند آوینی و همت به استقبالشان
باکری، صباد، زین‌الدین و دوران آمدند
اندک‌اندک اندک‌اندک جمع مستان آمدند
دیدم آن لحظه که جبرائیل درها را گشود
حاج قاسم همنشین حضرت صدیقه بود
خبر مقدم بود بر لب‌های پاک مرتضی
بود لیخند رضایت بر لب خون خدا
صحبت از فتاح بود و صحبت از سجیل بود
حاج اصغر بود، سید بود، اسماعیل بود
می‌رسید از راه یحیی، گرد و خاکی بر تنش
باهمان چوبی که می‌انداخت سوی دشمنش
صدرزاده صدر مجلس دلبری می‌کرد و بس
حاج قاسم رفت در آغوش حاج احمد سپس
بود فخری زاده چون کوهی مصمم یک طرف
بود همچون سرو، تهرانی مقدم یک طرف
آن طرف‌تر سید ابراهیم مشغول دعا
روی پیشانی‌ش نقش نحن خدام الرضا
آن طرف‌تر اشک‌های مرد مخلص را بین
عشق بازی ابومهدی مهندس را بین
ای خوشا آنان که قربانی راه دین شدند
همنشین سفره هاشم صفی‌الدین شدند
دیدم آنجا آرمان‌های ضمیرآگاه را
وعده‌های صادق و پیروز روح‌الله را
صف‌به‌صف بازو به بازو لشکری آماده بود
باقری بود و سلامی بود و حاجی‌زاده بود
جان‌نثاران عقيله یک‌به‌یک گرد آمدند
غیرتی‌ها دور ناموس خدا حلقه زدند
عهد بستند عاشقان خون‌خواهی هابیل را
وعده نابودی و پایان اسرائیل را
خواب‌بوداماچه‌خوابی‌بلکه‌بیداری‌است‌این
شک ندارم خواب من تعبیر خواهد شد یقین
همسفر برخیز تا دنیا به کام ما شود
قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود
بار ما عشق است پس قطعاً به منزل می‌رسد
تا فراسو نغمه ایران همدل می‌رسد
بر فراز عرش بنگر آیه‌های نصر را
قله نزدیک است یاری کن امام عصر را
همچو یوسف سوی کنعان خواهد آمد منتقم
با سپاهی از شهیدان خواهد آمد منتقم
زود می‌بینی که که حزب‌الله مان غالب شود
ذکر عالم یا علی‌بن‌ابیطالب شود
شاعر: محمود یوسفی

فرهنگ و ادب

زیبایی در تنگنا؛ لمس جهان با جوهر صبر

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر
تحول ابزار در عرصه‌ی هنرهای تجسمی همواره بر مسیر ادراک زیبایی تأثیر گذاشته است. هنگامی که فناوری‌های نوین طراحی دیجیتال، سرعت و دقت را به شاخص‌های غالب بدل کرده‌اند، پرسش بنیادینی پیش‌روی هنرمند امروز قرار می‌گیرد: جایگاه دستی که هنوز می‌خواهد جهان را لمس کند کجاست؟

در چنین فضایی، متین شفיעی با نگاهی پژوهش‌گرانه و انتخابی آگاهانه، مسیر متفاوتی را برمی‌گزیند؛ او به‌جای بهره‌گیری از امکانات نرم‌افزاری و ابزارهای پیشرفته، به سراغ ابزاری می‌رود که ماهیتی روزمره دارد: خودکار بیک؛ اما این انتخاب، صرفاً گرایشی فنی یا احساسی نیست؛ نوعی موضع‌نظری است در برابر مفهوم «کنترل» در هنر معاصر و بر امکان‌رهایی در دل محدودیت تأکید می‌برد.

شفיעی، نقاشی با خودکار را به مثابه کنش هنری آگاهانه‌ای می‌داند که در آن، «خط» بخشی از فرآیند و «صبر» بنیان خلق است. او نشان می‌دهد که از دل ابزار محدود می‌توان گشودگی بی‌مرز آفرید و به زبانی رسید که میان عقل هندسی و احساس انسانی تعادل برقرار می‌کند.

در این گفت‌وگو، او از فلسفه‌ی انتخاب خودکار، نسبت میان اضطراب و تمرکز، مفهوم مراقبه‌ی هنرمند در جریان خلق اثر و اهمیت صبر در عصر سرعت سخن می‌گوید. حاصل این تجربه‌ها مجموعه‌ای از دیدگاه‌هاست که مرز میان هنر، روان‌شناسی خلاقیت و بیش‌زیباشناختی را درهم می‌آمیزد.بخوانیم آنچه را با ایشان به گفتگو پرداخته ایم.

آغاز راه؛ کشف جسارت در ابزاری ساده

پرسش درباره‌ی آغاز این مسیر و لحظه‌ی کشف، شفיעی را به خاطرات نوجوانی بازمی‌گرداند؛ زمانی که همه‌چیز را جز سکوت بی‌قید جوهر تجربه کرده بود. وی با نگاهی تحلیلی توضیح می‌دهد: طی سال‌ها با رنگ‌روغن، مداد و سیاه‌قلم کار کرده است، اما روزی هنگام ترسیم طرحی ابتدایی، نگاهش به خودکاری افتاده که کنار دفتر تلفن قرار داشته و همان لحظه، جرقه‌ای ذهن او را روشن کرده است.

شفיעی اظهار می‌کند: با همان خودکار طرحی زدم و احساس کردم چیزی در جهان جابه‌جا شد. انگار خودکار، زبان درونی من بود؛ ابزاری بی‌پرده و صادق که هیچ خطایی را پنهان نمی‌کرد. به گفته‌ی وی، از همان لحظه، خودکار دیگر ابزار کار نبود، بلکه به شریک کشف و بیان درون بدل شد.

محدودیت یا هویت؛ فلسفه‌ی کار با کمترین امکانات
در بحثی پیرامون نقش ابزار و شرایط اقتصادی در هویت هنری، شفיעی نگاهی متفاوت دارد.

چهارشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۴۶

زیبایی در تنگنا؛ لمس جهان با جوهر صبر

چیزی را پاک نمی‌کنی، بلکه می‌آموزید آن را به زیبایی بدل کنی.
به باور وی، لمس مستقیم کاغذ و جوهر درسی است از کندی و حضور، تجربه‌ای که نسل امروز کمتر آن را زیسته است.

زیبایی از دل تنگنا

در میانه‌ی گفت‌وگو سخن به سرچشمه‌ی خلاقیت کشیده می‌شود. شفיעی با لحنی آرام اما محکم می‌گوید: زیبایی همیشه از دل تنگنا زاده می‌شود. محدودیت ذهن را وامی‌دارد که راهی تازه بجوید. کمبود، زایشگر است. وی مکتبی می‌کند و لیخند می‌زند: همان خودکار ساده، بهانه‌ی تولد جهان‌های تازه شد. هر خط، حاصل جبران نداشته‌هاست.

صبر؛ جوهر مشترک هنر و زندگی

در ادامه‌ی گفت‌وگو، بحث به زمان‌بر بودن کار با خودکار می‌رسد. شفיעی معتقد است: صبر در این شیوه نه فقط ابزار خلق، بلکه اصل معناست.

وی می‌گوید: این کار تمرینی مداوم برای صبر است. هر تابلوی می‌تواند ماه‌ها طول بکشد. اما صبر فقط در نقاشی لازم نیست، در زندگی هم همین است. اگر قدم‌به‌قدم پیش بروی، معجزه در نهایت خودش را نشان می‌دهد.

لحظه‌ی کشف؛ ایمان به خط آبی

به پرسش درباره‌ی اولین تجربه‌اش، با مهربانی پاسخ می‌دهد: آن طرح آبی هنوز با من است. همان لحظه که تمام شد فهمیدم مسیرم عوض شده. متوجه شدم اصل ماجرا خود ابزار نیست؛ حضور و نیت است.

آن تابلو برای وی به نقطه‌ی عطف بدل شده است، جایی که ایمان به مسیر خودکار در ذهنش تثبیت شد.

رویا منتظر ابزار نمی‌ماند

در پایان گفت‌وگو، از وی درباره‌ی سخنی برای جوانان و هنرجویان پرسیده می‌شود. صدایش جدی‌تر می‌شود و می‌گوید: اگر مسیرت را بشناسی، ابزار خودش تو را پیدا می‌کند. ما گاهی دنبال ابزار می‌گردیم، در حالی‌که باید خودمان رشد کنیم. وقتی درون و دانشت رشد کرد، ابزار فقط وسیله‌ای در خدمت رویا هنراست، پیش از هر چیز، در نیت معنا پیدا می‌کند.

سخن پایانی

شفיעی، این گفت‌وگو را با جمله‌ای به‌یادماندنی جمع می‌بندد: من یاد گرفته‌ام از اندک‌ترین امکانات، بیشترین معنا را بسازم. خودکار برای من فقط ابزار نقاشی نیست؛ روشی برای زیستن است.

شفיעی این اضطراب را نه عامل تهدید، بلکه جزئی مؤثر از فرایند آفرینش می‌داند و توضیح می‌دهد: در هر لحظه‌ی می‌دانی هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. همین آگاهی از بی‌بازگشتی، تمرکز می‌آورد. ترس به دقت بدل می‌شود؛ دقتی از جنس مراقبه و حضور کامل در لحظه پدید می‌آید.

وی در ادامه می‌افزاید: این کشمکش ظریف میان دل و دست، لحظه‌ای است که ذهن از خواب تکرار بیدار می‌شود و اثر، روح زنده‌ی خود را می‌یابد.

مدیتیشن جوهر؛ نقاشی به‌مثابه سکوت
آن‌گاه که پرسش به جنبه‌ی درونی کار می‌رسد، با مکتبی کوتاه می‌گوید: وقتی ساعت‌ها خط‌های متوالی می‌کشم، ذهنم خاموش می‌شود؛ دیگر چیزی جز حرکت نوک خودکار و تکرار خطوط وجود ندارد. در چنین حالتی، نقاشی بازآفرینی واقعیت نیست، بلکه نوعی مراقبه به‌حساب می‌آید.

برای شفיעی، هر تابلو نه نمود فرم، بلکه نشانه‌ای از سفری درونی است؛ سفری که در آن «دست، همچون ذهن، تنفس می‌کشد.

زبان خودکار؛ نوای صادق روح

در پاسخ به پرسشی درباره‌ی چرایی ماندگاری این ابزار، شفיעی می‌گوید: هیچ چیزی مانند خودکار نمی‌تواند تضاد میان قدرت و لطافت را نشان دهد؛ در هر خطش قطعیت و در هر سایه‌اش نرمی است.

وی تأکید می‌کند: برای او، خودکار دیگر صرفاً ابزار نوشتن نیست، بلکه زبانی شخصی است؛ زبانی بی‌پیرایه که بی‌میانجی از لایه‌های خودآگاه عبور می‌کند و به جوهر درون پیوند می‌خورد.

وی ادامه می‌دهد: خودکار بی‌رحم، اما صادق است و همین صداقت، زبان روح من شده است.

شگفتی مخاطب؛ راز در سادگی ابزار

پرسشی درباره‌ی نگاه بیننده و واکنش او، شفיעی را به لبخند وامی‌دارد و می‌گوید: بازدیدکنندگان اغلب باور نمی‌کنند این آثار با خودکار خلق شده باشد. وقتی می‌فهمند، نگاهشان عوض می‌شود. می‌خواهند رد دست را دنبال کنند، مسیر هر خط را بفهمند. همین حیرت، بخشی از اثر است. هنر نباید پنهان باشد؛ باید نشان دهد که از دلِ سادگی هم می‌شود عظمت آفرید.

هنر آنالوگ در عصر دیجیتال؛ وقتی خطا بخشی از زیبایی می‌شود

پرسش از نسبت هنر دستی و هنر دیجیتال، به قلب اندیشه‌ی شفיעی نزدیک است.

وی می‌گوید: در هنر دیجیتال، بازگشت همیشه ممکن است؛ اما در هنر دست‌ساز، پذیرش جایگزین بازگشت می‌شود. وقتی با خودکار کار می‌کنی، دیگر



وی اظهار می‌کند: هرگز از کمبود نرسیده‌ام؛ چراکه محدودیت، بخشی از شناسنامه‌ی هنری من است. هر خط خودکار، نماد اعتمادی است نه به ابزار، بلکه به توانِ خلاقیت انسان اشاره دارد.

شفיעی می‌افزاید: شکوه اثر هنری در قیمت یا تنوع ابزار خلاصه نمی‌شود، بلکه در صداقت عمل و خلوص نیت تجلی می‌یابد.

به باور وی، هنرمند اصیل آن است که از حداقل امکانات، بیشترین معنا را بیافریند و در کم‌ترین ابزار، بیش‌ترین حقیقت را متجلی سازد.

ظرافت در دل سادگی؛ گفت‌وگویی با خطا

جایی میان پرسش از تکنیک و صبر، شفיעی از پیوند کنترل و رهایی سخن می‌گوید: به باور او، کار با خودکار تمرینی است برای پذیرش درونی می‌شود.

وی با نگاهی تأملی توضیح می‌دهد: در کار با خودکار، مفهومی به‌نام خط وجود ندارد؛ چراکه هر انحرافی بخشی از ساختار اثر به‌شمار می‌آید. با گذر زمان آموختم که باید هر لرزش قلم را به فرصتی برای خلق بدل کنم؛ آنچه در نگاه دیگران نقص تلقی می‌شود، برای من حقیقت آشکار دست انسان است.

وی در ادامه تأکید می‌کند: در همین ناپایداری ظاهری و در پذیرش بی‌قید خط، روح اثر زاده می‌شود و جوهر زیباشناسی انسانی معنا می‌گیرد.

اضطراب و تمرکز؛ مرزی ظریف میان ترس و شفافیت

به هنگام گفت‌وگو درباره‌ی فرآیند خلق اثر، بحث اضطراب ذاتی کار با خودکار به میان می‌آید؛ اضطرابی که از ماهیت غیرقابل‌اصلاح بودن خطوط سرچشمه می‌گیرد و همواره در آستانه‌ی هر حرکت دست حضور

ارائه می‌داد، و او مجبور شد برای حفظ اصول خود، رشته تحصیلی‌اش را تغییر دهد و به رشته طبیعی برود. این بخش از کتاب، شجاعت، پابندی به اعتقادات و ایستادگی در برابر فشارهای اجتماعی و سیاسی رابه مخاطب کودک و نوجوان منتقل می‌کند.

پس از انقلاب اسلامی، مهدی زین‌الدین به عضویت سپاه پاسداران در آمد و فعالیت خود را در واحد اطلاعات آغاز کرد. کتاب با دقت به این مرحله از زندگی او می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تلاش، پشتکار و مهارت‌های او باعث شد از بین نیروهای اطلاعاتی به دوره آموزش عالی اطلاعات در تهران دعوت شود. در این دوره، مهدی با حضور فعال در کلاس‌ها، مشارکت در بحث‌ها و ارائه نظرات مستقل، جایگاه ویژه‌ای در بین همکاران خود یافت.

روایتی از این دوران شامل مراقبت او از هم‌زمانش نیز هست؛ وقتی یکی از دوستانش بیمار شد و غذای کافی نداشت، مهدی شخصاً با طی مسیر طولانی و در سرمای سخت، برای او آش داغ و شیر آورد و هم‌زمانش را تحت تأثیر رفتار مهربانانه و مسئولانه خود قرار داد.

یکی از بخش‌های جذاب کتاب، روایت فرماندهی مهدی در عملیات‌های دفاع مقدس است. او در شرایطی دشوار و تحت تیراندازی شدید دشمن، با آرامش و تمرکز عمل می‌کرد و نیروهای تحت امر خود را راهنمایی می‌کرد. نمونه‌ای از این فداکاری در شب عملیات، زمانی که نیروهای گردان در میدان مین دشمن گرفتار شدند و بسیاری مجروح شده بودند، نشان داده شده است. فرمانده گردان با نگرانی از آتش دشمن و کمبود حمایت توپخانه، نزد مهدی می‌آید. مهدی نه از کوره در می‌رود و نه عصبانیت خود را نشان می‌دهد؛ بلکه با مهربانی و اعتماد به نفس، او را دلگرم کرده و راهنمایی می‌کند. این رفتار نه تنها روحیه نیروها را بالا می‌برد، بلکه الگویی از مدیریت مسئولانه و انسانی در شرایط بحرانی ارائه می‌دهد.

کتاب همچنین به روایت نماز، عبادت و تعهد دینی مهدی زین‌الدین می‌پردازد. او حتی در سخت‌ترین شرایط، ارائه می‌داد، و وفادار به ارزش‌های دینی و انسانی را برای مخاطب کودک و نوجوان به تصویر می‌کشد و تلاش می‌کند با بازنمایی رفتارها و تصمیم‌های او، الگویی از مسئولیت‌پذیری، صداقت و شجاعت را به خوانندگان ارائه دهد. کتاب با داستانی روزمره از دوران کودکی مهدی زین‌الدین آغاز می‌شود و نشان می‌دهد که حتی در کوچک‌ترین کارها، مانند خرید نان از نانوایی، او به خانواده و مسئولیت‌هایش پابند بوده است. در یکی از فصل‌های ابتدایی، مادر مهدی متوجه می‌شود که برای ناهار نان کافی وجود ندارد. او فوری چادرش را روی سر می‌اندازد و به سراغ پرسش می‌رود تا او نان تهیه کند. مهدی که در حال بازی فوتبال با دوستانش در کوچه است، با دیدن مادر، بدون تردید بازی را رها می‌کند و برای انجام وظیفه به خانه می‌آید. این صحنه کوتاه، نخستین نمونه از تعهد و مسئولیت‌پذیری او را به خوانندگان نشان می‌دهد و در عین حال ارتباط نزدیک او با خانواده و ارزش‌های اخلاقی را برجسته می‌کند. کتاب همچنین روایتی از نوجوانی مهدی ارائه می‌دهد، زمانی که او با تصمیمی شجاعانه و استوار در مقابل فشارهای رژیم شاه و حزب رستاخیز ایستاد. در سال ۱۳۵۳، شاه ایران حزب رستاخیز را تأسیس کرد و دستور داد همه مردم عضو شوند. این حزب ضد اسلام و دین خدا بود و حتی زنان را مجبور می‌کرد بدون حجاب در دانشگاه حاضر شوند. مهدی، که در آن زمان دانش‌آموز سال دهم و علاقه‌مند به رشته ریاضی بود، از امضای دفتر عضویت حزب خودداری کرد و در پی مقاومتش، حتی تهدید و فشار مدیر و ناظم مدرسه را نیز پذیرفت. این تصمیم سرانجام منجر به اخراج او از تنها مدرسه‌ای شد که رشته ریاضی

^[1] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[2] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[3] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[4] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[5] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[6] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[7] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[8] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[9] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[10] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[11] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[12] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[13] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[14] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[15] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[16] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[17] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[18] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[19] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[20] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[21] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[22] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[23] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[24] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[25] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[26] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[27] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[28] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[29] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[30] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[31] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[32] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[33] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[34] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[35] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[36] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[37] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[38] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[39] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[40] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[41] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[42] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[43] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[44] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[45] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[46] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[47] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[48] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[49] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[50] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[51] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[52] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[53] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[54] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[55] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[56] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[57] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[58] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[59] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[60] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[61] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[62] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[63] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[64] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[65] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[66] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[67] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[68] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[69] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[70] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[71] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[72] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[73] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[74] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[75] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[76] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[77] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[78] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[79] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[80] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[81] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[82] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[83] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[84] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[85] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[86] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[87] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[88] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[89] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[90] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

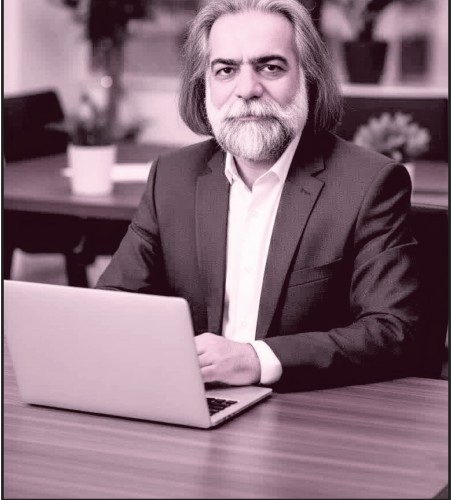
^[91] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[92] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[93] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[94] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر

^[95] طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – زهرا ژرفی مهر



طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی.

بخش اول...

غرب آسیا، به‌عنوان یکی از مناطق راهبردی و ژئوپلیتیکی حساس جهان، در طول تاریخ معاصر همواره کانون تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ و میدان تحولات تعیین‌کننده‌ی سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. این منطقه نه‌تنها قلب منابع انرژی جهان به شمار می‌آید، بلکه به‌واسطه‌ی موقعیت ویژه‌اش در مسیرهای حیاتی حمل‌ونقل بین‌المللی – همچون تنگه‌ی هرمز، باب‌المندب و کانال سوئز – و نیز مجاورتش با سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا، نقشی سرنوشت‌ساز در ثبات اقتصاد جهانی و امنیت بین‌المللی دارد. از دهه‌های نخست قرن بیستم تا امروز، غرب آسیا همواره صحنه‌ی رویارویی مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های جهانی بوده است؛ از رقابت استعماری بریتانیا و فرانسه گرفته تا حضور ایالات متحده، شوروی و در دهه‌های اخیر، رژیم صهیونیستی و ناتو. این منطقه در کنار بحران‌های مرزی و درگیری‌های قومی و مذهبی، شاهد دگرگونی‌های عمیقی چون انقلاب‌ها، جنگ‌های فرسایشی، شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش و مقاومت، و بالاتریم مرزهای سیاسی بوده است. مجموعه‌ی این عوامل، خاورمیانه را به یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین کانون‌های ژئوپلیتیکی جهان تبدیل کرده است؛ کانونی که هر تغییر در آن، به سرعت بازتاب جهانی پیدا می‌کند.

در دو تا سه سال اخیر، به‌ویژه در سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ هجری شمسی (۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ میلادی)، این پیچیدگی‌ها ابعاد تازه‌ای یافته‌اند. تحولات نظامی و سیاسی در سوریه و یمن، گسترش محور مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران، تشدید تنش‌های امنیتی میان ایران و رژیم صهیونیستی، و افزایش مداخلات مستقیم و نیابتی بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده و برخی دولت‌های اروپایی، نظم سنتی منطقه را دستخوش تغییرات بنیادی کرده است.

پیامدهای این تحولات فراتر از مرزهای جغرافیایی خاورمیانه است. اثر آن‌ها در بازار جهانی انرژی، امنیت مسیرهای ترانزیت دریایی و زمینی، ثبات سیاسی کشورهای منطقه و حتی معادلات اقتصادی قدرت‌های جهانی به‌روشنی قابل مشاهده است. هر تصمیم یا درگیری در این منطقه می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان، زنجیره‌ای از واکنش‌ها و نوسانات را در سطح بین‌الملل ایجاد کند.

از این‌رو، تحلیل عالمانه‌ی تحولات خاورمیانه تنها یک کنجکاوی نظری نیست؛ بلکه ضرورتی راهبردی است برای شناخت روندهای آتی و آمادگی در برابر پیامدهای آن. درک درست از لایه‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی این منطقه، به‌ویژه برای کشوری چون ایران که در مرکز تحولات و در خط مقدم مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه‌ی غرب و صهیونیسم قرار دارد، اهمیتی دوچندان دارد. تحلیل درست این تحولات، ابزار فهم و مقاومت هوشمندانه در برابر طرح‌هایی است که هدفشان تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران و تغییر نقشه‌ی ژئوپلیتیکی خاورمیانه است.

ضرورت تحلیل دقیق تحولات خاورمیانه

پیش‌بینی روندهای آینده و سناریوهای محتمل: شناخت دقیق روندهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی منطقه به تصمیم‌گیرندگان داخلی و خارجی امکان می‌دهد تا آیندهٔ محتمل را با دقت بیشتری ترسیم کنند. تحلیل روندها، یعنی دیدن پیوستگی میان رویدادهای امروز و پیامدهای فردا. برای نمونه، افزایش سطح درگیری‌های نیابتی یا تغییر در ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌تواند نشانه‌ای از شکل‌گیری مرحله‌ی تازه‌ای از بازآرایی قدرت باشد.

چنین پیش‌بینی‌هایی به کشورها – به‌ویژه ایران – این توان را می‌دهد که از موضع‌کنشگر فعال، نه واکنشگر منفعل، در تحولات منطقه‌ای حضور داشته باشند.

تدوین سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی تنها زمانی قادر به اتخاذ تصمیم‌های مؤثرند که تصمیم‌هایشان بر پایه‌ی داده‌های واقعی و تحلیل‌های میدانی استوار باشد.

تحلیل تحولات خاورمیانه این امکان را فراهم می‌کند که سیاست‌های دفاعی، دیپلماتیک و اقتصادی نه بر پایه‌ی تبلیغات رسانه‌ای، بلکه بر اساس فهم عینی از صحنه‌ی قدرت طراحی شوند.

برای جمهوری اسلامی ایران نیز، که در مرکز این معادلات قرار دارد، چنین تحلیلی ابزار تدوین سیاست خارجی هوشمندانه و افزایش قدرت بازدارندگی محسوب می‌شود.

گزارش

تحلیل تحولات ۲۰۲۳–۲۰۲۵ و آینده‌پژوهی محور ایران و مقاومت؛

خاورمیانه در بحران و رقابت

رژیم صهیونیستی و ائتلاف‌های عربی وابسته به غرب ایفا کرد.

از نظر جغرافیایی، این یادداشت گستره‌ای از مناطق کلیدی خاورمیانه را در بر می‌گیرد: ایران، فلسطین اشغالی، سوریه،

لبنان، یمن و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به‌علاوه مناطق دریایی حساس مانند تنگه‌ی هرمز، باب‌المندب و دریای سرخ. این پهنه‌ی جغرافیایی، بستری است که در آن رقابت‌های نظامی، فشارهای دیپلماتیک، بازی‌های انرژی و جنگ‌های رسانه‌ای به‌طور هم‌زمان جریان دارند.

تحلیل تعاملات مستقیم و غیرمستقیم میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای – از جمله ایران، ترکیه، عربستان سعودی، ایالات متحده، روسیه و رژیم صهیونیستی – چارچوبی فراهم می‌کند. برای فهم تهدیدات امنیتی، فشارهای سیاسی و فرصت‌های راهبردی پیش‌روی ایران.

بدین‌سان، با ترکیب تحلیل رخدادهای معاصر و بررسی پیشینه‌ی تاریخی، این نوشتار در حد توان می‌کوشد تصویری جامع، مستند و آینده‌نگر از روندهای ژئوپلیتیکی و امنیتی خاورمیانه ارائه دهد و زمینه را برای پیش‌بینی تحولات آتی و ترسیم سناریوهای محتمل در دهه‌ی آینده فراهم سازد.

هر بحران یا جنگ در این منطقه، نه‌تنها مرزهای جغرافیایی، بلکه ذهن و روان ملت‌ها را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از شکل‌گیری گفتمان‌های مقاومت و عدالت‌خواهی تا تحولات فرهنگی و رسانه‌ای، همه بخشی از تأثیرات غیرمستقیم تحولات سیاسی‌اند.

درک این ابعاد به تحلیل‌گران کمک می‌کند تا تصویر جامع‌تری از تحولات به‌دست آورند و سیاست‌گذاران نیز از پیامدهای اجتماعی تصمیمات خود آگاه شوند.

در مجموع، پرداختن به تحولات اخیر خاورمیانه با تأکید بر محورهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نه‌تنها یک ضرورت پژوهشی، بلکه یک الزام عملی و راهبردی برای تصمیم‌گیرندگان منطقه‌ای و بین‌المللی است. برای ایران، چنین تحلیلی راهی برای شناخت دقیق‌تر تهدیدها و فرصت‌ها و ترسیم آینده‌ای بر پایه‌ی واقع‌گرایی و اقتدار ملی محسوب می‌شود.

محدوده زمانی و جغرافیایی یادداشت

این یادداشت به تحلیل تحولات خاورمیانه در بازه‌ی زمانی سه‌ساله‌ی ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ میلادی) می‌پردازد و تلاش دارد دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی این منطقه را با دقت و تکیه بر شواهد مستند بررسی کند.

این بازه‌ی زمانی، یکی از پرشتاب‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین دوره‌های چند دهه‌ی اخیر در خاورمیانه است؛ دوره‌ای که طی آن، توازن قدرت سنتی دگرگون شده و صف‌بندی‌های جدیدی در سطح منطقه و جهان پدید آمده است. در این دوره، چند رویداد کلیدی بیش از سایر تحولات، ساختار قدرت و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده‌اند. از جمله:

جنگ دوازده‌روزه‌ی ایران و رژیم صهیونیستی در سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳)، که برای نخستین بار از آغاز مناقشات ایران و رژیم تروریستی، تقابل نظامی مستقیم میان دو طرف را آشکار کرد و معادلات بازدارندگی منطقه را دگرگون ساخت؛

سقوط نهایی حکومت بشار اسد در سوریه در سال ۱۴۰۳ (۲۰۲۴)، که پس از سال‌ها جنگ داخلی و فشارهای چندجانبه‌ی خارجی رخ داد و جایگاه بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران، روسیه و ترکیه را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد؛

تحولات یمن و گسترش نقش انصارالله در امنیت دریای سرخ و خلیج عدن، که مسیر تجارت جهانی را در معرض تهدیدهای جدید قرار داد؛

و همچنین افزایش فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی علیه محور مقاومت، که بیانگر تلاش نظام سلطه برای ایجاد اجماع جهانی و منطقه‌ای علیه ایران است.

با این حال، تحلیل درست و جامع این تحولات، بدون درک ریشه‌های تاریخی و روندهای کلان گذشته، ممکن نیست. از این‌رو، مقاله در کنار بررسی رویدادهای معاصر، نگاهی تحلیلی به دو نقطه‌ی عطف تاریخی نیز دارد که درک آرزویی خاورمیانه بدون آن‌ها ناقص خواهد بود:

جنگ شش‌روزه‌ی خرداد ۱۳۴۶ (۵ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷): این

جنگ میان رژیم صهیونیستی و ائتلافی از کشورهای عربی شامل مصر، اردن و سوریه رخ داد. در مدت شش روز، رژیم تروریستی بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های عربی – از جمله کرانه‌ی باختری، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان – را اشغال کرد.

این رخداد، نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر خاورمیانه بود؛ زیرا نه‌تنها مرزهای جغرافیایی را تغییر داد، بلکه توازن قدرت منطقه‌ای و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به‌صورت بنیادین بازتعریف کرد. از آن پس، ایالات متحده جایگزین بریتانیا به‌عنوان حامی اصلی رژیم تروریستی شد و حضور نظامی و اطلاعاتی غرب در منطقه نهادینه گردید.

ظهور محور مقاومت از دهه‌ی ۱۳۵۰ و تثبیت آن در دهه‌ی ۱۳۶۰ هجری شمسی (دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی): پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ (فوریه‌ی ۱۹۷۹)، جریان‌های ضداستکباری و ضدصهیونیستی منطقه در قالب شبکه‌ای هماهنگ‌تر شکل گرفتند. در دهه‌ی ۱۳۶۰،

با تشکیل حزب‌الله لبنان، گسترش نفوذ ایران در سوریه، و حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی، مفهوم «محور مقاومت» به‌صورت راهبردی وارد ادبیات سیاسی خاورمیانه شد.

این محور به‌تدریج به نیرویی تعیین‌کننده در معادلات نظامی و امنیتی منطقه بدل گردید و نقش بازدارنده‌ای در برابر نفوذ

چهارشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۴۶

۶

نیز بر رفتار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سایه افکنده است. شکست‌های عربی، پیدایش گفتمان مقاومت اسلامی، نقش‌آفرینی ایران در معادلات امنیتی و ورود رسمی ابرقدرت‌ها به صحنه‌ی خاورمیانه، همگی ریشه در همین نقطه‌ی تاریخی دارند.

بدین‌ترتیب، فهم تحولات امروز خاورمیانه و رقابت‌های ژئوپلیتیکی آن، بدون درک دقیق از پیامدهای جنگ خرداد ۱۳۴۶ ممکن نیست.

چرا رژیم تروریستی هم‌زمان با همه کشورها وارد جنگ شد؟

اوایل خرداد ۱۳۴۶، خاورمیانه در وضعیتی قرار داشت که هر تحلیل‌گری آن را «لحظه‌ی لغزش» می‌نامید؛ لحظه‌ای که یک حادثه‌ی کوچک می‌توانست به انفجاری بزرگ منتهی شود.

مصر نیروهای زرهی خود را در صحرای سینا آرایش داده بود، سوریه از هفته‌ها قبل با رژیم تروریستی درگیری‌های مرزی پراکنده داشت و اردن تحت فشار افکار عمومی، پیمان نظامی خود با مصر را فعال کرده بود. در قاهره، رسانه‌های ناصری از «روز نزدیک آزادسازی فلسطین» سخن می‌گفتند و در دمشق، برخی فرماندهان یعنی اعلام کرده بودند که «رژیم تروریستی در آستانه‌ی سقوط» قرار گرفته است.

در چنین شرایطی، رژیم تروریستی احساس می‌کرد در محاصره‌ای نانوشته گرفتار شده است؛ محاصره‌ای که اگر شکل می‌گرفت، توان این کشور برای ادامه‌ی یک جنگ

چندجبهه‌ای محدود و شکننده بود. از نظر رژیم تروریستی، زمان نه یک فرصت، بلکه تهدیدی بود که هر ساعت آن می‌توانست کفه‌ی ترازو را به سود کشورهای عربی سنگین‌تر کند. به همین دلیل، فرماندهان رژیم تروریستی شب‌ها با نقشه‌های نظامی می‌خوابیدند و صبح‌ها با گزارش‌های اطلاعاتی‌ای بیدار می‌شدند که هر بار تصویر نگران‌کننده‌تری از اوضاع ارائه می‌داد.

در جلسه‌ای که بعدها یکی از مقامات رژیم تروریستی آن را «شب‌ی که سرنوشت را رقم زد» توصیف کرد، سران نظامی و سیاسی رژیم تروریستی تصمیم گرفتند وارد مرحله‌ی «پیش‌دستی مطلق» شوند؛ مرحله‌ای که معنایش این بود: «اگر جنگ گریزناپذیر است، باید ضربه‌ی اول را زد – و آن‌چنان سنگین که طرف مقابل نتواند برخیزد.»(همین رویه در خصوص بمباران تاسیسات هسته‌ای عراق و جنگ دوازده روزه بین ایران و رژیم تروریستی تکرار شد.)

بامداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۶، وقتی بسیاری از خلبانان مصری هنوز در خوابگاه‌های خود بودند، جنگنده‌های رژیم تروریستی با پرواز در ارتفاع بسیار پایین (برای گریز از رادارها) وارد آسمان مصر شدند. این عملیات، که بعدها «موکد ۱۹» نام گرفت، تنها یک حمله نبود؛ پیامی بود که رژیم تروریستی تصمیم گرفته است جنگ را نه در میدان، بلکه در ذهن فرماندهان عرب تعیین تکلیف کند. در کمتر از چند ساعت، بیش از ۸۰ درصد نیروی هوایی مصر نابود شد و مصر، بزرگ‌ترین ارتش عربی، عملاً کور و کر در برابر حملات هوایی بعدی باقی ماند.

اما رژیم تروریستی به همین بسنده نکرد. بلافاصله واحدهای زرهی و توپخانه‌ای خود را در جبهه‌ی اردن فعال کرد تا پیش از آن‌که اردنی‌ها از وضعیت سینا باخیر شوند، کنترل نقاط کلیدی کرانه‌ی باختری را در دست بگیرد. در همان روز، عملیات مشابهی در بلندی‌های جولان آغاز شد. این هم‌زمانی تصادفی نبود؛ بخشی از راهبردی بود که رژیم تروریستی ماه‌ها برای آن تمرین کرده بود: «درگیری همزمان تا دشمن نتواند نیروهایش را متمرکز کند، پیام‌ها را هماهنگ سازد یا استراتژی مشترکی تدوین کند.»

رژیم تروریستی به‌خوبی می‌دانست اگر حتی یکی از این کشورهای فرصت یابد تا نفس تازه کند، دو کشور دیگر نیز با آن هماهنگ می‌شوند و رژیم تروریستی وارد جبهه‌ی می‌شود که سال‌ها از آن می‌ترسید: جنگ فرسایشی و چندمنرحله‌ای. بنابراین، هدف اصلی رژیم تروریستی نابودی دشمن نبود؛ بلکه «فالج کردن امکان هماهنگی» میان مصر، اردن و سوریه بود. این همان نقطه‌ای است که جنگ شش‌روزه را از یک نبرد معمولی به یک عملیات پیچیده‌ی روانی – نظامی تبدیل کرد.

تصرف سینا، جولان، غزه و کرانه‌ی باختری نه‌فقط دستاورد نظامی، بلکه تکمیل‌کننده‌ی طرحی بود که رژیم تروریستی را از کشوری کوچک و آسیب‌پذیر به قدرتی تهاجمی و تأثیرگذار در معادلات خاورمیانه تبدیل کرد. رژیم تروریستی با این اقدام نه فقط «خطر نزدیک» را از خود دور کرد، بلکه «موقعیت جدیدی» ساخت که در آن کشورهای عربی از حالت تهاجمی به حالت دفاعی و بازدارنده رانده شدند.

از آن پس، بسیاری از رهبران عرب در جلسات خصوصی خود اعتراف کرده‌اند که جنگ شش‌روزه تنها شکست نظامی نبود؛ شکست روحیه، اعتمادبه‌نفس و رؤیای وحدت عربی بود – شکستی که راه را برای ظهور جریان‌های جدیدی مانند مقاومت اسلامی و بعدها محور مقاومت هموار کرد.

در یک جمله: رژیم تروریستی هم‌زمان با همه‌ی کشورهای عربی وارد جنگ شد، چون می‌دانست اگر لحظه‌ای تأخیر کند، باید با یک خاورمیانه‌ی کاملاً متحد و آماده روبه‌رو شود؛

جهانی که رژیم تروریستی ۱۹۶۷ توان ایستادن در برابر آن را نداشت.

ادامه دارد…

۱– زمینه تاریخی و راهبردی

جنگ شش‌روزه‌ی خرداد ۱۳۴۶ (۵ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷): در پانزدهم خرداد ۱۳۴۶ (۵ ژوئن ۱۹۶۷)، جنگی تمام‌عیار میان رژیم صهیونیستی و ائتلافی از کشورهای عربی شامل مصر، اردن و سوریه آغاز شد؛ جنگی که تنها شش روز به طول انجامید، اما تأثیرات آن ده‌ها بر سیاست و امنیت خاورمیانه سایه افکند. در پایان این نبرد، رژیم تروریستی موفق شد بخش‌های وسیعی از اراضی عربی را اشغال کند؛ از جمله کرانه‌ی باختری، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان. این جنگ، نقطه‌ی گسست در تاریخ معاصر خاورمیانه بود؛ رخدادی که نه‌تنها نقشه‌های سیاسی منطقه را تغییر داد، بلکه بنیان‌های فکری، نظامی و ایدئولوژیک تازه‌ای را در میان ملت‌های مسلمان پدید آورد.

دلایل آغاز جنگ: علل اصلی جنگ شش‌روزه را باید در ترکیبی از عوامل سیاسی، نظامی و روانی جست‌وجو کرد. افزایش تنش‌های مرزی میان رژیم تروریستی و همسایگان عرب، تحرکات ارتش مصر در صحرای سینا، بسته‌شدن تنگه‌ی تیرا (تنگه‌ی تیران) به‌دست دولت جمال عبدالناصر، و همچنین حضور و تحرکات نیروهای شوروی در حمایت از اعراب، فضایی از التهاب نظامی ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی، رژیم تروریستی با اجرای عملیات «پیش‌دستانه»‌ای برق‌آسا، نیروی هوایی مصر را در ساعات نخست جنگ نابود کرد و برتری هوایی مطلق به دست آورد. این اقدام، روند نبرد را به‌طور کامل به سود تل‌آویو تغییر داد و زمینه‌ساز پیروزی سریع آن شد.

پیامدهای راهبردی جنگ: پیامدهای جنگ شش‌روزه بسیار فراتر از اشغال چند منطقه‌ی جغرافیایی بود. این رخداد، نظم امنیتی و روانی خاورمیانه را به‌طور بنیادین دگرگون ساخت. مهم‌ترین نتایج آن عبارت‌اند از:

تغییر موازنه‌ی قدرت منطقه‌ای: پس از این جنگ، رژیم تروریستی از یک دولت محصور و در حالت تدافعی به یک قدرت تهاجمی مسلط بر منطقه تبدیل شد. تصرف بلندی‌های جولان، کرانه‌ی باختری و صحرای سینا به رژیم تروریستی عمق استراتژیک بخشید و موجب فروپاشی روحیه‌ی سیاسی و نظامی اعراب شد. در مصر و سوریه، پیامد شکست نظامی به تغییرات ساختاری در دولت و ارتش انجامید. از همین مقطع بود که مفهوم «موازنه‌ی بازدارندگی» در روابط عربی – رژیم تروریستی شکل گرفت و کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، به‌تدریج از رویکرد مقابله‌گرانه به سمت سیاست‌های سازش و همکاری امنیتی با غرب سوق داده شدند.

تغییر در سیاست خارجی ایالات متحده و اتحاد شوروی: جنگ خرداد ۱۳۴۶، نقطه‌ی عطفی در رقابت میان دو ابرقدرت دوران جنگ سرد بود. ایالات متحده پس از این جنگ، جایگزین بریتانیا به‌عنوان حامی اصلی رژیم تروریستی شد و کمک‌های نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی خود را چند برابر کرد.

در مقابل، اتحاد جماهیر شوروی روابط خود را با رژیم تروریستی قطع و حمایت گسترده از کشورهای عربی – به‌ویژه مصر و سوریه – و سپس از سازمان‌های مقاومت فلسطینی را آغاز کرد.

از این زمان، خاورمیانه به صحنه‌ی تقابل نیابتی دو بلوک شرق و غرب بدل شد. این مداخله‌ی ساختاری قدرت‌های بزرگ، استقلال تصمیم‌گیری سیاسی کشورهای منطقه را به‌شدت محدود کرد و زمینه‌ی حضور مستمر و مزمن قدرت‌های خارجی را در دهه‌های بعد فراهم آورد.

پیدایش زمینه‌های فکری و سیاسی محور مقاومت: شکست نظامی اعراب در برابر رژیم تروریستی، ضربه‌ای سهمگین بر غرور جمعی ملت‌های عرب و بر مشروعیت گفتمان پان‌عربی ناصری وارد آورد. از دل این سرخوردگی، ایده‌ی «مقاومت اسلامی» به‌عنوان بدیل ایدئولوژیک شکل گرفت. در دهه‌ی ۱۳۶۰ هجری شمسی (دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی)، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اشغال لبنان توسط رژیم تروریستی، این اندیشه در قالب سازمان‌هایی چون حزب‌الله لبنان و سپس گروه‌های مقاومت فلسطینی تبلور یافت.

بدین‌ترتیب، محور مقاومت نه صرفاً یک حرکت نظامی، بلکه یک جریان فرهنگی و اعتقادی شد که هدف آن «بازپس‌گیری کرامت عربی و اسلامی» و مقابله با نفوذ غرب و صهیونیسم بود. تشدید بحران فلسطین و تداوم بی‌ثباتی ساختاری: اشغال کرانه‌ی باختری، قدس شرقی و نوار غزه، ساختار سیاسی فلسطین را فروپاشید و مفهوم «دولت فلسطینی» را از معنا تهی کرد.

موج جدیدی از آوارگان پدید آمد و مقاومت از سطح دولت‌های عربی به سطح ملت‌ها و گروه‌های مردمی منتقل شد. سازمان‌های آزادی‌بخش چون «سلف»، «فتح»، «جهاد اسلامی» و «حماس» از دل همین تحولات برخاستند. در مقابل، رژیم تروریستی با سیاست شهرک‌سازی گسترده و تغییر بافت جمعیتی، بحران را از یک مناقشه‌ی سیاسی به بحرانی دائمی و چندلایه بدل کرد. این وضعیت تا امروز نیز یکی از محورهای اصلی تنش در خاورمیانه باقی مانده است. جمع‌بندی تحلیلی: جنگ خرداد ۱۳۴۶ را باید نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر خاورمیانه دانست؛ جنگی که نه‌تنها مرزهای جغرافیایی، بلکه ذهنیت‌ها، ایدئولوژی‌ها و معادلات قدرت را تغییر داد.

از دل این جنگ، نظم امنیتی جدیدی متولد شد که تا امروز

همزمان با سی و سومین دوره هفته کتاب صورت گرفت؛

اهدای کتب چاپ سنگی نفیس توسط خیر ۹۲ ساله به کتابخانه مرکزی ارومیه



طرح نو؛ گروه خبر
همزمان با سی و سومین هفته کتاب، خیر ۹۲ ساله ارومیه‌ای، ۶ قطعه سند و پنج نسخه کتاب چاپ سنگی را به بخش اسناد، نسخ خطی و نقایس چاپی کتابخانه مرکزی ارومیه اهدا کرد.

«عباسعلی مصاحب طلب» هدف از این اقدام را ترویج سنت حسنه وقف، گسترش فرهنگ کتابخوانی و تشویق مردم به مشارکت در امور خیرفرهنگی عنوان کرد.

وی با تأکید بر جایگاه ویژه وقف در اسلام و فرهنگ ایرانی افزود: با چنین اقداماتی می‌توان این سنت ارزشمند را حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل کرد.

«عباسعلی مصاحب طلب» با وجود ۹۲ سال سن، همچنان در حوزه کتاب و کتابخوانی فعال است و

راز داشتن ذهن و فکر پویا در سنین بالا را مطالعه مستمر کتاب می‌داند. موضوع اسناد وقف شده، فرهنگ و زندگی مردم ارومیه است.

همچنین یک نسخه از کتب چاپ سنگی اثر مولف ارومیه‌ای و یک نسخه دیگر چاپ سنگی توسط ناشر ارومیه‌ای اهدا شده که بومی بودن آن‌ها ارزش فولکلوریک ویژه‌ای به این آثار می‌بخشد. در بین منابع نفیس، آثار بومی و فولکلور در اولویت جذب، جمع آوری و ارایه خدمات به پژوهشگران قرار دارند.

بخش اسناد، نسخ خطی و نقایس چاپی کتابخانه مرکزی بیش از یک‌هزار و ۳۴۰ نسخه شامل کتاب‌های چاپ سنگی، سری، خطی و اسناد تاریخی را در خود جای داده است. / ایرنا

رئیس کتابخانه های عمومی خوی خبر داد:

افزایش ۴۰ درصدی برنامه‌های فرهنگی کتابخانه‌های عمومی خوی



طرح نو؛ گروه خبر
رئیس کتابخانه های عمومی خوی گفت: برنامه های فرهنگی کتابخانه های عمومی خوی در سال جاری ۴۰ درصد افزایش یافته است.

هادی درستی رئیس کتابخانه های عمومی خوی ضمن تبریک سی و سومین دوره هفته کتاب و کتابخوانی جمهوری اسلامی گفت: در شهرستان خوی ۱۰ باب کتابخانه وجود دارد که ۸ باب آن کتابخانه عمومی و ۲ باب آن در اداره زندان مرکزی و زندان روباز به فعالیت فرهنگی مشغول هستند.

وی افزود: در ۸ باب کتابخانه عمومی تقریباً ۱۸۰ هزار جلد کتاب وجود دارد و ۱۱ هزار نفر عضو کتابخانه های عمومی هستند که در طول یک سال اخیر در حدود ۳۵ هزار جلد کتاب توسط اعضا به امانت گرفته شده است که نشان از علاقه مردم علی‌الخصوص جوانان به مطالعه و کتابخوانی است.

درستی گفت: در یکسال اخیر مردم فهیم و کتاب دوست خوی به تعداد ۲ هزار جلد کتاب به کتابخانه های عمومی شهرستان اهدا نموده اند.

مدیر کتابخانه های عمومی خوی اظهار داشت: برنامه های فرهنگی کتابخانه های عمومی در سال ۱۴۰۴، ۴۰ درصد افزایش یافته و به ۵۰۰ برنامه متنوع فرهنگی رسیده است که از جمله ۴۲ نشست کتابخوانی، ۱۱۰ برنامه ویژه کودکان، ۶۵ برنامه مناسبتی، ۲۷ مسابقه کتابخوانی و کتاب محور، در

بمناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) برگزار می‌شود.

وی اضافه نمود: دومین دوره مسابقات عکاسی با محوریت عکاسی من و کتاب، جمع خوانی نمادین کتاب با همکاری آموزش و پرورش و شورای اسلامی در محوطه شورا، راه اندازی غرفه فرهنگی، آشنایی مردم با امکانات کتابخانه و عضو گیری رایگان از مردم در پیاده راه هسته مرکزی شهر، نشست ویژه کتابخوان در محوطه مقبره شمس تبریزی با همکاری یکی از سازمان های مردم نهاد کتاب محور، ۸۰ برنامه فرهنگی کتابخانه محور، نشست سراسری کتاب و کتابخوانی در سراسر استان با همکاری آموزش و پرورش مورخه ۲۶ آبان ماه در یکی از مدارس شهرستان، بازدید از کتابخانه های عمومی توسط دانش آموزان با برنامه های متنوع فرهنگی، از جمله برنامه های هفته کتاب در خوی می باشد.

مدیر کتابخانه های عمومی خوی در پایان سخنان خود از مردم خواست با اهدای کتاب های علمی به کتابخانه های عمومی شهرستان، فعالیت این نهاد فرهنگی را پویاتر و فعالتر نمایند.

خبر

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی: سرانه مطالعه در استان روزانه ۱۴ دقیقه است

طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی گفت: بر اساس آخرین آمار، سرانه مطالعه در استان به طور میانگین روزانه ۱۴ دقیقه است.

علیرضا نوروزی با اشاره به اینکه سرانه مطالعه کشور روزانه ۱۵ دقیقه اعلام شده است، افزود: فاصله سرانه مطالعه استان با میانگین کشوری قابل توجه نیست.

وی در تبیین دلایل کاهش تمایل جامعه به خرید کتاب‌های چاپی اظهار کرد: کاهش قدرت خرید مردم و افزایش هزینه‌ها سبب شده کتاب چاپی در اولویت‌های آخر سبد مصرف فرهنگی خانوار قرار گیرد؛ چرا که کاهش توان اقتصادی به طور طبیعی بر حوزه فرهنگ و کتاب اثرگذار است. نوروزی همچنین با اشاره به رشد نسخه‌های الکترونیکی کتاب با قیمتی حدود یک‌دهم نسخه چاپی، گفت: طبیعی است بخشی از جامعه با وجود چنین ظرفیتی، به جای خرید نسخه چاپی به سمت مطالعه نسخه‌های الکترونیکی سوق پیدا کنند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تأکید کرد: کاهش خرید کتاب چاپی لزوماً به معنای کاهش سرانه مطالعه نیست. در شیوه استخراج آمار سرانه مطالعه، تنها خرید کتاب چاپی، مراجعه به کتابخانه‌ها و میزان امانت کتاب لحاظ می‌شود؛ در حالی که بسیاری از مردم با توجه به توسعه فناوری‌های نوین، محتوای زیادی را از طریق فضای مجازی مطالعه می‌کنند و این موارد نیز در واقع نوعی مطالعه محسوب می‌شود.

وی با بیان اینکه تلاش برای افزایش سرانه مطالعه در استان ادامه دارد، اظهار کرد: دو طرح «روستاهای دوستدار کتاب» و «پایتخت کتاب ایران» از مهم‌ترین برنامه‌ها در مسیر ارتقای فرهنگ کتابخوانی هستند. خوشبختانه هر سال از میان ۱۰ روستای منتخب کشور در طرح دوستدار کتاب، معمولاً ۲ تا ۳ روستا از آذربایجان غربی انتخاب می‌شود.

نوروزی ادامه داد: دو سال گذشته نیز ارومیه در میان پنج شهر برگزیده برای عنوان پایتخت کتاب ایران قرار گرفت که این انتخاب نشان‌دهنده فعالیت‌های فرهنگی و توجه جامعه به مطالعه است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی افزود: طی سال جاری، ۵۲۵ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف علمی، داستان، شعر، فرهنگی و... در استان منتشر شده و آذربایجان غربی از نظر تنوع موضوعی در چاپ کتاب، یکی از استان‌های دارای غنای بالا به شمار می‌رود.

مفقودی روزنامه طرح نو

برگ سبز یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور ۱۲۲۸۵۰۱۸۴۰۹ و شماره شاسی ۱۲۲۹۶۷۷۵ و شماره پلاک انتظامی ۱۵-۳۹۶-ی ۱۴ بنام آقای محمد کمانی آجودان آباد فرزند علی به شماره ملی ۵۱۹۰۲۶۸۳۲۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

آگهی مزایده عمومی (مرحله دوم - نوبت اول)



شهرداری بناب در نظر دارد پارکینگ طبقاتی الغدیر را برابرماده ۱۳ آیین نامه مالی شهرداریها از طریق آگهی مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (setadiran.ir) و با شماره مزایده ۵۰۰۲۰۹۱۰۱۵۰۰۰۰۰۲۲ به صورت الکترونیکی به اجاره واگذار نماید.

تاریخ انتشار در سایت: روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

تاریخ بازدید: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

مهلت دریافت اسناد مزایده: تا ساعت ۱۷ روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: تا ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ بازگشایی: ساعت ۱۲:۳۰ روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

تاریخ اعلام به برنده: ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۷

عنوان مزایده	مدت اجاره	مبلغ پایه اجاره ماهیانه	مبلغ پایه اجاره بهای یکساله	سپرده شرکت در مزایده
واگذاری (اجاره) پارکینگ طبقاتی الغدیر	یکسال	۷۰۰/۰۰۰/۰۰ ریال	۸/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شرایط عمومی: (ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است)

(۱) برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده گران محترم از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.

(۲) کلیه اطلاعات مورد اجاره شامل مشخصات، شرایط و نحوه اجاره در اعلان عمومی سامانه مزایده، قابل مشاهده، بررسی و انتخاب می‌باشد.

(۳) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه به معامله در اسناد مزایده در سامانه ستاد به آدرس (setadiran.ir) مندرج است.

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۵۱۶۶۸ م الف: ۱-

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

فرید پناهی - شهردار بناب

مفقودی روزنامه طرح نو

اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری کوئیک مدل ۱۴۰۰ به شماره انتظامی ۲۵ - ۴۵۸ ج ۴۴ شماره موتور M15/9169648 و شماره شاسی NAS841100M1100686 بنام خانم معصومه محمدعلی زاده مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

روزنامه طرح نو

شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۲۰۰۵۳۹۸
تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

آگهی فقدان سند مالکیت

مقدار سه دانگ از شش‌دانگ پلاک ۸۰۶۱۴ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۹ تبریز برابر دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۴۱۷۲۰۲۲۶۱۸ بنام احمد اشرفی ثبت و سند چاپی ۶۹۷۴۱۵ سری ب/۹۸ صادر و مقدار سه دانگ از شش‌دانگ بنام رمضان اشرفی ثبت و سند چاپی بشماره ۶۹۷۴۱۶ سری ب/۹۸ برابر دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۴۱۷۲۰۲۲۶۱۷ آقای کریم اقدام زاده برابر سند وکلاننامه بشماره ۱۰۲۱۲۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ دفترخانه ۱ خسروشهر ثبت شده و با ارائه استشهاد محلی بشرح نامه وارده به شماره ۵۰۰۱۱۳/۱۴۰۴۲۶۵۱۱۰۶ مورخه

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

حسین گرمی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه شرق تبریز

م الف: ۲۰۴۱۵۴۲ روزنامه طرح نو

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۵۰۱۰۵۹۹
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت دوم)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۵۰۱۰۵۹۹ - ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای یاسین اسماعیلی فرزند عین اله بشماره شناسنامه ۱۳۳۱۹ صادره از مرند در شنش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۰۰ متر مربع به پلاک ۵۷۳۱ فرعی از ۴ اصلی مفروز و

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

احمد فعال
رئیس ثبت اسناد و املاک مرند

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

یادداشت

دستیابی به شهر خلاق



طرح نو، مرتضی آذربویه

از آنجایی که شهرها به عنوان ارکان اصلی پیشرفت هستند در حفظ فرهنگ و آداب و رسوم نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. توجه به خلاقیت در مدیریت آنها در کنار رویکردهای ویژه فرهنگی به عنوان عاملی برای رقابت در «عصر جهانی شدن» مطرح می‌شود. نیز با توجه به سرعت چشمگیر پیشرفت جوامع بشری، دو عنصر خلاقیت و ایده‌پردازی بیش از پیش مطرح می‌شوند. ایده شهر خلاق که از جانب یونسکو به دنیا معرفی شد این پروژه به منظور افزایش و ارتقای همکاری در میان شهرهای جهان راهاندازی شد تا به‌عنوان راهکاری برای پیشرفت آنها استفاده شود.

یونسکو از سال ۲۰۰۴ جریان شبکه شهر خلاق را به منظور ترویج همکاری میان شهرها مطرح کرد؛ خلاقیت در این گام یونسکو، عامل راهبردی برای پیشرفت پایدار شهری به شمار می‌رود. شبکه شهرهای عضو آن، برای رسیدن به هدف مشترکشان با هم کار می‌کنند. هدف مشترک آنها،

قراردادن خلاقیت و صنایع فرهنگی در مرکز برنامه‌های توسعه محلی و همکاری‌های بین‌المللی است. شبکه شهرهای خلاق یونسکو، هفت حوزه خلاق را پوشش می‌دهد: صنایع دستی، هنرهای بومی، هنرهای رسانه‌ای، فیلم، طراحی، خوراکی شناسی، ادبیات و موسیقی.

در واقع، شهرهایی که به جمع این شهرهای خلاق اضافه می‌شوند، تعهد می‌دهند که فعالیت‌های مثبتشان را با هم به اشتراک بگذارند و بین بخش‌های عمومی و خصوصی و جامعه مدنی، همکاری ایجاد کنند تا به موارد زیر دست پیدا کنند:

— آفرینش، تولید و توزیع فعالیت‌ها، محصولات و خدمات فرهنگی؛

— توسعه کانون‌های خلاقیت و نوآوری و گسترش فرصت‌ها برای افراد آفریننده و حرفه‌ای در بخش فرهنگی؛

— بهبود دسترسی به زندگی فرهنگی و شرکت در آن؛

— ادغام کامل فرهنگ و خلاقیت در طرح‌های پیشرفت پایدار.

هدف مشترک تمام این حوزه‌ها ترویج خلاقیت برای توسعه فرهنگ شهری است. در این طبقه‌بندی شهرها متعهد می‌شوند تا تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. این اشتراک با هدف فراگیری فرهنگ شهر انتخاب شده، ایجاد تعامل بین بخش خصوصی و دولتی، و تقویت برنامه‌های حرفه‌ای و هنری است.

* معاون شهردار منطقه دو مراغه

گزارش

طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هسته مرکزی تبریز

نیازمند تداوم رویکرد هوشمندانه در

ساماندهی و ارتقاء خدمات شهری است

طرح نو؛ گروه شهری

معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز در چهارمین جلسه از سلسله جلسات خدمات شهری در منطقه ۸، با اشاره به نقش حیاتی این محدوده در هویت تاریخی و گردشگری شهر، از اقدامات انجام‌شده در حوزه ساماندهی، ایمن‌سازی، نوسازی و نگهداشت شهری قدردانی کرد.

چهارمین جلسه از سلسله جلسات معاونت محیط‌زیست و خدمات شهری با حضور یعقوب انصاری معاون شهردار تبریز، حسین منیری‌فر شهردار منطقه ۸ و مدیران ستادی و معاون محیط زیست و خدمات شهری منطقه برگزار شد. این نشست با هدف بررسی روند اقدامات، مرور برنامه‌های جاری و هم‌افزایی برای بهبود کیفیت خدمات شهری در منطقه انجام شد.

در این جلسه، یعقوب انصاری با بیان اینکه منطقه ۸ به‌عنوان قلب تپنده تبریز، نقشی فراتر از یک محدوده شهری دارد، گفت: این منطقه، ویرترین تبریز است؛ جایی که هویت تاریخی، حرکت اقتصادی و گردشگری شهر در آن جریان دارد. خوشبختانه با رویکرد مدیریتی منطقه و تلاش مجموعه همکاران، شاهد اجرای پروژه‌ها و برنامه‌هایی هستیم که در شأن این جایگاه است.

او با اشاره به ساماندهی‌های انجام‌شده در محورهای اصلی هسته مرکزی شهر، افزود: اقدامات منطقه در ساماندهی

دستفروشان تربیت، بهبود شرایط محیطی باغ گلستان و مدیریت عرصه‌های پرترد، زمینه‌ساز ارتقای آرامش، نظم شهری و کیفیت خدمات برای کسبه، گردشگران و شهروندان شده است.

انصاری با تشریح روند نوسازی تجهیزات خدماتی گفت: افزایش بهره‌وری ماشین‌آلات و رفع نواقص آن‌ها از موضوعات مهم معاونت است. با همراهی شهردار منطقه و اختصاص اعتبارات لازم، فرآیند نوسازی و اورهال بخشی از تجهیزات با هدف تقویت عملیات خدماتی در حال انجام است که بسیار ارزشمند است.

وی با اشاره به عملکرد منطقه در حوزه ایمن‌سازی پاساژها، طرح نما و مدیریت بحران اظهار داشت: منطقه ۸ به دلیل قدمت و بافت تاریخی، نیازمند اجرای دقیق برنامه‌های ایمنی است. اقدامات انجام‌شده در ایمن‌سازی و رسیدگی به وضعیت ساختمان‌ها نشان‌دهنده نگاه کارشناسی و پیگیری مستمر مدیریت منطقه است.

معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز همچنین توجه ویژه مدیریت منطقه به تجهیز و نگهداشت سرویس‌های بهداشتی و نمازخانه‌ها را قابل تقدیر دانست و گفت: این مجموعه‌ها از زیرساخت‌های اصلی رفاه شهری هستند و خوشبختانه روند ساماندهی در منطقه ۸ مطابق با استانداردهای مورد انتظار انجام می‌شود.

امام صادق(ع):

هرگاه خداوند، خیر بنده‌ای را بخواهد او را دانشمند در دین کند

چهارشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۴۴۶



وی در بخش دیگری از سخنان خود را به اهمیت مدیریت بازار تاریخی تبریز اختصاص داد و افزود: منطقه بازار با حجم بالای حضور گردشگران داخلی و خارجی، نیازمند مراقبت ویژه در حوزه پاکسازی، رسیدگی به سدمعبر و جمع‌آوری سگ‌های بلاصاحب است. اقدامات صورت‌گرفته در مدیریت منطقه، به ارتقای تصویر عمومی شهر کمک کرده است.

انصاری نیروی انسانی خدمات شهری را «سرمايه عملیاتی مدیریت شهری» خواند و گفت: رویکرد حمایتی مدیریت منطقه نسبت به مجموعه نیروهای خدمات شهری، موجب افزایش انگیزه و هم‌افزایی در ارائه خدمات شده است.

او با اشاره به ورود به فصل بارش اضافه کرد: بازدیدهای دوره‌ای از پمپ‌ها، روبین‌ها و زیرساخت‌های دفع آب‌های سطحی در منطقه به‌خوبی در حال انجام است و با برنامه‌ریزی موجود، انتظار می‌رود فصل بارندگی بدون چالش خاصی مدیریت شود.

انصاری در پایان گفت: ساماندهی سدمعبر، زیباسازی فضاهای شهری، استانداردسازی مخازن زیاده و ارتقاء سطح خدمات، با همراهی مدیریت منطقه و هماهنگی مجموعه‌های تخصصی ادامه خواهد داشت. معاونت محیط زیست و خدمات شهری نیز همچون گذشته در کنار منطقه خواهد بود تا این روند رو به رشد تداوم یابد.

طرح نو در گفتگو با کارشناسان حوزه‌ی شهری بررسی می‌کند:

ترافیک تبریز؛

شهری در آستانه‌ی بازگشت اعتماد و راه‌یافتن نظم نو

نیازمند بازنگری است. اما مسیرهای اصلی و ورودی و خروجی شهر در اولویت سامان‌دهی قرار دارند؛ زیرا هر اختلال در آن‌ها، فشار مضاعفی بر کل شبکه ایجاد می‌کند.

طرح‌های ساده، راه‌حل‌های بزرگ

فرساد باور دارد که تبریز از مرحله‌ی «طرح‌های ساده» گذشته است، ولی همچنان رفتار شهروندان می‌تواند مهم‌ترین اقدام کوتاه‌مدت باشد؛ اگر امروز تصمیم بگیریم از چراغ راهنما سر وقت استفاده کنیم، با سرعت مطمئنه حرکت کنیم و به عابر احترام بگذاریم، بزرگ‌ترین اصلاح را رقم زده‌ایم. در سوی مدیران نیز لازم است هر طرح ترافیکی فنی تر و با لحاظ پیوست اجتماعی مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد.

دوچرخه و پیاده‌راه؛ گام‌های ممکن برای شهر پایدار

او به اهمیت حمل‌ونقل غیرموتوری اشاره می‌کند که استفاده از دوچرخه و توسعه‌ی پیاده‌راه‌ها از مؤلفه‌های شهر پایدار محسوب می‌شوند. هرچند ظاهراً ساده‌اند، اجرا و تدویشان به برنامه‌ریزی دقیق و زیرساخت قوی نیاز دارد.

فرساد خاطر‌نشان می‌کند: در رویکرد مدیریت نوین ترافیک، اولویت دادن به انسان به‌جای خودرو اصل بنیادین است و باید از همین زاویه به توسعه‌ی آتی شهر نگریست.

ترافیک به‌مثابه آزمون هم‌زیستی شهری

به باور او، ترافیک تبریز تنها مسئله‌ای فنی نیست بلکه بازتابی از نظم اجتماعی و مشارکت شهری است. حل این چالش در گرو سه‌گانگی از مدیریت هماهنگ، آموزش مداوم، و تغییر رفتار اجتماعی است.

وقتی ارتباط میان مردم، خیابان و قانون به یک قرارداد اخلاقی بدل شود، تبریز می‌تواند از وضعیت فعلی عبور کند.

میان عجله و بی‌توجهی

در توصیف رفتار رانندگان تبریزی، فرساد دو عامل را پررنگ‌تر می‌بیند: عجله و بی‌توجهی؛ بسیاری از تخلفات از بی‌صبری و شتاب غیرضروری در زندگی شهری ناشی می‌شود. اما بخش دیگر به بی‌تفاوتی نسبت به قانون برمی‌گردد. تا وقتی شهروند احساس نکند رعایت قانون نفع مستقیم دارد، آن را وظیفه‌ی شخصی نمی‌داند.

از نگاه او، قانون در ذهن جامعه باید نه ابزار محدودکننده، بلکه نشانه‌ی احترام متقابل باشد.

کام نخست؛ بازنگری

در نظام آموزش و گفت‌وگو با مردم

در پاسخ به این‌که برای ارتقای فرهنگ ترافیک، مردم چه باید بکنند و مسئولان چه، فرساد می‌گوید: مسئولان باید جدی‌ترین بازنگری را در اقدامات فرهنگی خود انجام دهند؛ برنامه‌های آموزشی باید بازتعریف شوند و از شعار فاصله بگیرند. در سوی دیگر، از دید او، شهروندان نیز باید صبر، گذشت و احترام به قانون را به‌محض ورود به خیابان، چه به‌عنوان راننده، چه عابر، چه سرنشین، در رفتار خود جاری کنند.

اولویت نخست؛ هماهنگی نهادها و مشارکت مردم

اگر اختیار برنامه‌ریزی کامل در اختیار او بود، نخستین اقدام برای کاهش ترافیک تبریز به گفته‌ی خودش، افزایش هماهنگی میان تمام حوزه‌های درگیر در مدیریت ترافیک بود: در کنار هم‌افزایی نهادی، باید شهروندان را از تماشاگر به کنشگر تبدیل کنیم. مردم باید بدانند هر تصمیم فردی‌شان در رانندگی، در مقیاس شهری اثر می‌گذارد.

معابر بحرانی و نیاز به سامان فوری

او تأکید دارد: تقریباً تمام نقاط شبکه‌ی معابر تبریز

به گفته‌ی او، بسیاری از ابزارهای حرفه‌ای مدیریت ترافیک در تبریز هنوز به‌طور کامل پیاده‌سازی نشده‌اند و اجرای آن‌ها می‌تواند کارآیی شبکه‌ی موجود را چندبرابر کند.

خودرو زیاد یا برنامه‌ریزی نادرست؟

فرساد در پاسخ به این پرسش که آیا عامل اصلی ترافیک افزایش خودروهاست یا ضعف در برنامه‌ریزی شهری، می‌گوید: هر دو. رشد بی‌رویه‌ی خودرو و ضعف در شهرسازی دو لبه‌ی یک سکه‌یاند. بدون اصلاح الگوهای توسعه‌ی شهری، حتی اگر تولید خودرو متوقف هم شود، ترافیک ادامه می‌یابد

او یادآور می‌شود: تجربه‌ی شهرهای موفق نشان داده ترکیب ناوگان منظم، برنامه‌ریزی یکپارچه، و بازنگری خطوط اتوبوس‌رانی می‌تواند اثرگذارتر از ساخت‌وساز صرف باشد. در کنار این موارد، کاهش زمان انتظار قطارهای مترو نیز عاملی چشمگیر برای افزایش گرایش مردم به حمل‌ونقل جمعی خواهد بود.

فرهنگ رانندگی؛ چهره‌ی اجتماعی ترافیک

به باور مدیرکل ایمنی و ترافیک، یکی از ریشه‌های اصلی مشکل در کلان‌شهرهای ایران، فرهنگ رانندگی است موضوعی که ارتباطی مستقیم با وضعیت اجتماعی و آموزشی دارد: اکثر نهادهایی که باید در حوزه‌ی فرهنگ ترافیک مؤثر باشند، اقدام مؤثری ارائه نکرده‌اند. صبر و گذشت در رانندگی از دست رفته است و این دو عنصر، پایه‌ی رانندگی شهری هستند. او توضیح می‌دهد: با پایش رانندگان تازه‌گواهینامه‌دار می‌توان دید ضعف‌هایی در نظام آموزش و ارزیابی وجود دارد. اصلاح فرهنگ ترافیکی نیاز به کار کارشناسی از سوی متخصصان جامعه‌شناسی شهری دارد تا عوامل دخیل در رفتار رانندگان و عابران به‌درستی شناسایی شود. فرهنگ ترافیکی تبریز به اقدامات اساسی چندجانبه نیاز دارد؛ نه صرفاً برخورد قانونی.

فرساد توضیح می‌دهد که تمرکز بالای فعالیت‌های اقتصادی، اداری و آموزشی در نقاط محدود، همراه با مهاجرت شغلی به شهرک‌های صنعتی حومه، سبب شده بیشتر سفرهای روزانه در مسیرهای تکراری شکل گیرد؛ این تمرکز، محورهایی مانند پل کابلی، قاری‌کورپوسی، زیر پل کسای و پل خلیان را به گلوگاه‌های فشرده‌ای بدل کرده که بخش عمده‌ی بار ترافیکی شهر را بر دوش می‌کشند.

فرهنگ خودرومحور؛ نتیجه‌ی کمبود خدمات عمومی

یکی از متغیرهای مهم در تحلیل او، غلبه‌ی فرهنگ وابستگی به خودروی شخصی است. در تبریز، خودرو همچنان اولین انتخاب سفر درون‌شهری است. در مقابل این تقاضا، ظرفیت حمل‌ونقل عمومی از مترو تا اتوبوس و تاکسی‌های خطی و BRT هنوز پاسخ‌گوی نیاز شهر نیست.

به گفته‌ی او، ناوگان فعلی نیازمند توسعه‌ی کمی و کیفی فوری است تا مردم انگیزه‌ای برای تغییر عادت خود داشته باشند. افزودن این نکته را ضروری می‌داند که رفتارهای غیرقانونی در پارک حاشیه‌ای، توقف‌های دوبله و سد معبرها نیز به شکل روزمره ظرفیت معابر را کاهش می‌دهند و حتی بهترین طرح‌های هندسی را بی‌اثر می‌کنند.

زیرگذر و تعریض؛ راه‌حل جزئی برای مسئله‌ای چندوجهی

به باور فرساد، نباید انتظار داشت که افزایش معابر یا ساخت زیرگذر و روگذر بتواند به‌تنهایی گره ترافیک را بگشاید. احداث زیرگذر و تعریض خیابان فقط بخشی از راه‌حل است. در کنار طرح‌های عمرانی باید ابزارهای مدیریت نوین شهری به‌کار گرفته شود؛ از بازتعریف محدوده‌های کنترل ترافیک گرفته تا توسعه‌ی سیستم‌های هوشمند، بهبود ناوگان عمومی و نظارت دیجیتال بر حرکت خودروها.



طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر بخش سوم؛ گفتگو با هومن فرساد (مدیر کل مهندسی و ایمنی و ترافیک شهرداری تبریز)

تراکم مرکز شهر؛ جدال میان تاریخ و زندگی امروز

به گفته‌ی هومن فرساد، مدیرکل مهندسی، ایمنی و ترافیک شهرداری تبریز، اگر بخواهیم ریشه‌ی ترافیک سنگین تبریز را در ساعت‌های اوج بررسی کنیم، نخست باید واقعیت‌های کالبدی شهر را دید: هسته‌ی مرکزی تبریز بافتی تاریخی دارد و خیابان‌های اصلی آن برای حجم بسیار کمتری از خودرو طراحی شده‌اند. در حالی که امروز همه می‌خواهند در یک ساعت مشخص و تقریباً با وسیله‌ی شخصی خود به سمت مرکز یا مراکز سفرخیز حرکت کنند، اما ظرفیت خیابان‌ها چنین امکانی را ندارد.

او تأکید می‌کند: مسئله‌ی ترافیک تبریز را نباید به یک دلیل فروکاست؛ چالش ترافیک حاصل مجموعه‌ای از عوامل هم‌زمان است. با این‌همه، اگر قرار باشد یک عامل را «ریشه‌ای‌تر» دید، آن عامل چیزی نیست جز عدم توازن میان عرضه و تقاضای سفر در شبکه‌ای که قدیمی است و متناسب با تحولات جمعیت رشد نکرده است.